

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ولایت و عفت

نویسنده: امل موسوی

ترجمه: مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور

شناسنامه:

نام کتاب: ولایت و عفت

نویسنده: امل موسوی

چاپ: اول

سال: ۱۴۴۶هـ - ۱۴۰۳ش

ناشر: موسسه انتشاراتی و تحقیقاتی نور



موسسه تحقیقاتی انتشاراتی نور

فهرست مطالب

- مقدمه ۱
- ولایت و مودت در لغت ۳
- مودت در لغت ۵
- ولایت در آیه مودت ۷
- داستان الرشتی ۳۹
- ارتباط مودت اهل بیت علیهم السلام و ولایت آنان با عفت در قرآن ۴۴
- ارتباط عفت با ولایت اهل بیت علیهم السلام در روایات ۶۷
- غض بصر کلید عفت و ولایت ۷۴
- عاقبت ترک ولایت اهل بیت و ترک عفت ۸۲
- مادران پاکدامن و عفیف پیامبران، صالحان، امامان و شهیدان ۸۵
- عفت در پیامبران ۹۴
- رضا و تسلیم به خداوند یعنی عفت و ولایت اهل بیت ۹۶
- ولایت و محبت سرّی از اسرار محمد و آل محمد علیهم السلام ۹۸
- شیعه، اهل ولایت اهل بیت و اهل عفت ۱۰۱



مقدمه

ارتباط تکلیف الهی برای مسلمانان... با تمسک به قرآن از ولایت اهل بیت علیهم السلام جدایی ناپذیر است. هر کس این تکلیف را خالصانه برای خداوند به جا آورد، نصیبش رستگاری، سعادت و ایمنی از گمراهی در دنیا و آخرت خواهد بود؛ همان گونه که مضمون این امر در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیث غدیر آمده است، زمانی که مهاجرین و انصار را در غدیر خم گرد آورد و به آنان فرمود: «خلفت فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی حبلان ممدودان من السماء الی الأرض لن یفترقا حتی یردا علی الحوض^(۱)...» در میان شما دو چیز گران بها به جا می گذارم، کتاب خدا و عترتم اهل بیتم، این دو ریسمان از آسمان تا زمین کشیده شده اند و هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند تا اینکه نزد من در حوض (کوثر) حاضر شوند. آیات، روایات و احادیث شریفه دلالت دارند که تمسک به این دو ریسمان، معنای تقوا را محقق می سازد؛ امری که پیامبران، رسولان و کتاب های آسمانی همگی بر آن اجماع کرده اند و بهترین توشه برای بندگان صالح خداوند است. خداوند می فرماید: وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى^(۲)... و توشه بردارید که همانا بهترین توشه تقواست.

تقوا روی دیگر عفت است، بلکه خود تقوا همان عفت است؛ چراکه این دو همچون دو روی یک سکه هستند که بالاترین درجات رضایت و اطاعت الهی و ولایت اهل بیت را محقق می سازند. عفت به

۱. بحار الانوار / ص ۶۲۰ / ج ۲۹

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۷



معنای کنترل اعضا و جوارح است و از طریق آن حالتی در نفس ایجاد می‌شود که در برابر غلبه شهوت مقاومت می‌کند^(۱). کنترل شهوت با معیار ورع و دوری از گناه، و با داشتن حیای از خداوند متعال و اقتدا به اهل بیت در گفتار و کردار محقق می‌شود. عفت رفتاری است که در هر زمان و مکانی باید به آن متصف باشیم، مادامی که نفسی وجود دارد که به بدی فرمان می‌دهد و شیطانی که تمام وسایل و لشکرهای شیطانی خود را برای گمراهی انسان فراهم کرده است، و دنیایی که خود را برای خواستاران و عاشقانش آراسته است؛ چنان که در حدیث آمده است: (حب الدنیا رأس کل خطیئه)^(۲) حب دنیا ریشه هر خطایی است.

این پژوهش، جویندگان کمال را به تمسک به عترت طاهره (محمد و اهل بیتش) در پرتو قرآن و پیروی از راه عفت دعوت می‌کند. خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که او را دعوت کردند و او پاسخشان را داد، از کسانی که او را راهنما خواستند و او راهنمایی‌شان کرد، و از کسانی که از او هدایت خواستند و او هدایتشان کرد؛ زیرا او بهترین سرپرست و بهترین یاور است.

۲. الرافد لألفاظ القرآن الکریم/ص ۷۳۳

۲. کافی/ص ۱۳۱/ج ۲



ولایت و مودت در لغت

ولایت در زبان از ریشه "ولی" گرفته شده و بر نزدیکی دلالت دارد. مثلاً "جلس مما یلینی" یعنی کسی که به من نزدیک نشسته است. مولی نیز معانی مختلف دیگری دارد: کسی که برده را آزاد کرده یا آزاد شده، دوست، هم‌پیمان، پسر عمو، یار، و همسایه؛ و همه این‌ها به مفهوم ولی یعنی نزدیکی اشاره دارند. هر کس که مسئولیت دیگری را بر عهده داشته باشد، ولی او است. مثلاً می‌گویند فلانی "اولی" به چیزی است، یعنی شایسته‌تر و سزاوارتر است. عبارت "ولیته توالیه" یعنی کسی را به عنوان والی منصوب کردم. "والاه موالاه و ولاء" یعنی پیروی و دنبال کردن، و "توالت الأخبار" یعنی اخبار پی در پی آمده است. از نام‌های خداوند نیز "ولی" است که به معنای یاری‌دهنده است. همچنین گفته شده متولی یعنی کسی است که امور جهان و خلائق را تدبیر و مدیریت می‌کند و مالک و مدبر همه چیز است. ابن اثیر نیز می‌گوید که ولایت به معنای تدبیر، قدرت و انجام فعل است؛ و تا این ویژگی‌ها در کسی نباشد، نمی‌توان او را "والی" نامید. والی کسی است که سرپرستی یتیم را به عهده دارد و از او مراقبت می‌کند، یا ولی زن کسی است که عقد ازدواج او را بر عهده دارد. در زبان عربی، ولی و مولی یکی هستند؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست"، یعنی هر کس من ولی او هستم، علی نیز ولی او است. همچنین گفته شد: "اللهم وال من والاه"، یعنی خدایا دوست بدار کسی را که علی را



دوست دارد. عمر نیز به علی گفت: "تو مولای هر مؤمنی شده‌ای"،
یعنی ولی او.^۱

در قرآن کریم، مصادیق بسیاری از ولایت وجود دارد. خداوند
می‌فرماید: (إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ)^(۲)
همانا ولی من خداوند است که کتاب را نازل کرده و صالحین را
سرپرستی می‌کند.

همچنین می‌فرماید: (لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ
بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ)^(۳) یهودیان و مسیحیان را به
عنوان دوستان و سرپرستان خود نگیرید، برخی از آنان دوستان
برخی دیگر هستند، و هر کس از شما آنان را به سرپرستی بگیرد، از
آنان است.

و نیز فرمود: (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)^(۴) ... خداوند ولی کسانی است
که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد، و کسانی
که کافر شدند، ولی آنان طاغوت است که آنان را از نور به سوی
تاریکی‌ها می‌برد. آنان اهل آتش‌اند و در آن جاودانه خواهند بود. و
همچنین می‌فرماید: (فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ

۱. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ص ۲۲۳ تا ۲۲۵

۲. سوره اعراف، آیه ۱۹۶

۳. سوره مائده، آیه ۵۱

۴. سوره بقره، آیه ۲۵۷



النَّصِيرُ)^(۱) بدانید که خداوند مولای شماست، چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری. همچنین در مورد پیامبر می‌فرماید: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ)^(۲) پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

همچنین می‌فرماید: (إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ)^(۳) یقیناً سرپرست و یار من خدایی است که قرآن را نازل کرده و او همواره شایستگان را سرپرستی و یاری می‌کند. همچنین می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَتَّبِعُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَتَّبِعُ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ)^(۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند!

مودت در لغت

مودت در زبان از فعل "ود" مشتق شده و به معنای محبت است. مثلاً "وددته" یعنی او را دوست داشتم. و "الودود" یکی از نام‌های نیکوی خداوند است و به معنای تمایل به آنچه طبیعت او اقتضا می‌کند بر اساس صفات ذاتی‌اش می‌باشد. از

۱. سوره انفال، آیه ۴۰

۲. سوره احزاب، آیه ۶

۳. سوره اعراف/۱۹۶

۴. سوره ممتحنه/۱۲



آنجایی که صفات او همه زیبا و کریمانه و بدون هیچ محدودیتی هستند، و او تعالی نه فقر دارد، نه نیاز و نه ضعف، و از آنجا که او دانا و تواناست، کمال ذات و صفاتش اقتضا می‌کند که هر خیر و نیکی را دوست بدارد و به هر احسانی به خلق تمایل نشان دهد. بنابراین، او "ودود" مطلق است، هم در ذاتش و هم بر اساس صفاتش در هر مورد. چنان که خداوند می‌فرماید: (وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ)^(۱) و از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او توبه کنید، همانا پروردگار من رحیم و ودود است. این صفت در بندگان صالح و اولیای خداوند نیز تجلی می‌یابد، چرا که آنان جلوه‌های صفات نیکوی خداوند هستند. انسان، زمانی که بنده حقیقی و مظهر صفات عالی خداوند باشد، صفت و داد نسبت به خلق در وجودش محقق می‌شود و به دلیل باطن روحانی و قلب پاک و صفات زیبایش، خیر و احسان را به دیگران دوست می‌دارد. چنان که خداوند فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا)^(۲) همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان برای آنان محبت قرار خواهد داد.^(۳)

۱. سوره هود، آیه ۹۰.

۲. سوره مریم، آیه ۹۶.

۳. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ذیل معنای المودة.



ولایت در آیه مودت

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ) ^(۱) بگو: من از شما مزدی نمی‌خواهم جز مودت نزدیکانم. این آیه بر چند محور مهم تأکید دارد:

۱. خداوند به پیامبرش به صورت امری واجب دستور داده است که بگوید، و این بیانگر حکمت الهی در هدایت و تربیت مردم است. خداوند از پیامبرش می‌خواهد تا مردم را به امری هدایت کند که در آن خیر و صلاح وجود دارد.

۲. خداوند هرگز پیامبرش را به چیزی امر نمی‌کند مگر آنکه در آن خیر و صلاح باشد، و هم‌چنین در آن جلوگیری از شر و فساد نیز نهفته است. از این رو، دستور مودت به اهل بیت و ولایت آنان یک امر الهی است که مردم را به عمل، علم و گفتار درست فرا می‌خواند.

۳. پیامبر ﷺ باید به این فرمان الهی پاسخ دهد. این به معنای آن است که این دستور یک ادب و سنتی است که باید پیروی شود، چرا که پیامبر ﷺ الگوی نیکوی امت است. خداوند به مردم دستور داده است که از او الگو بگیرند: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) ^(۲) برای شما و آنهایی که امید به پروردگار و روز قیامت دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند، رسول خدا مقتدایی نیکوست.

۱. سوره شوری، آیه ۲۳

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱



۴. همچنین می‌توان از این آیه نتیجه گرفت که اگر پیامبر ﷺ از این امر سرپیچی می‌کرد، با عقوبت الهی مواجه می‌شد، با وجود جایگاه پیامبری و رسالت. پس چگونه ممکن است برای عموم مردم که در این امر کوتاهی می‌کنند، عذری وجود داشته باشد؟ خداوند امر به عدالت، احسان و مودت به نزدیکان کرده است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)^(۱) در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد. به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید. همچنین خداوند متعال مراقب رفتار پیامبران و فرستاده‌های خود است همانگونه که عموم مردم را برای حفظ و تعالی آنها مورد مراقبت قرار می‌دهد. خداوند می‌فرماید: (عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أُبْلَغُوا رَسُولَاتٍ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا)^(۲) دانای غیب اوست و هیچ کس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، مگر رسولانی که آنان را برگزیده و مراقبینی از پیش رو و پشت سر برای آنها قرار می‌دهد تا بداند پیامبرانش رسالت‌های پروردگارش را ابلاغ کرده‌اند؛ و او به آنچه نزد آنهاست احاطه دارد و همه چیز را احصاء کرده است!

۱. سوره نحل، آیه ۹۰

۲. سوره جن، آیه ۲۸



۵. خداوند به پیامبرش یادآوری می‌کند که از قومش مزدی طلب کند، و از حق اوست که از آنها به خاطر خدمت بزرگ در تبلیغ رسالت و سختی‌هایی که در این راه تحمل کرده است، مزد بخواهد. خداوند می‌فرماید: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ)^(۱) بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم اهل‌بیتم؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی‌اش می‌افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است..

۶. اگرچه حکمت می‌گوید که درخواست، نوعی ذلت است، اما اهمیت بزرگ این درخواست در نجات امت از گمراهی و انحراف نهفته است.

۷. این سؤال توجه امت را به محتوایی که پیامبر ﷺ درخواست می‌کند جلب می‌کند، و آنچه در این درخواست نهفته است، خیری است که برای آنان در دنیا و آخرت به ارمغان می‌آورد. پیامبر ﷺ کسی است که خداوند او را کفایت کرده، بی‌نیاز ساخته و با کرامات، آیات، علم، حکمت، رشد، هدایت و صلاح احاطه کرده است. پیامبر ﷺ به آنان نیازی ندارد؛ بلکه این درخواست به نفع خود آن‌ها است، همان‌طور که گفتیم.

۸. محتوای این درخواست شامل امری بسیار مهم است که به سرنوشت امت، سرنوشت دین، سرنوشت حق و عدالت و انسانیت،

۱. سوره شوری، آیه ۲۳



سرنوشت پیامبر ﷺ، سرنوشت توحید، عدالت، نبوت، امامت و معاد بستگی دارد... و هر اصل از اصول دین و هر شاخه‌ای از فروع دین به آن وابسته است... و قانون آفرینش و ایجاد به آن متکی است.

۹. پس این امر مهم و خطیر چیست؟ آن مودت به قربی و ولایت اهل بیت و اطاعت از آنان و محبت و یاری و اقتدا به آنان، دوست داشتن دوستانشان و دشمن داشتن دشمنانشان و بیزارى از دشمنانشان است.

۱۰. اهل بیت کسانی هستند که خداوند متعال آنان را به علم، حکمت، ایمان، اخلاص و تقوا برگزیده و به آنان عصمت عطا کرده است، زیرا آن‌ها در آزمون بندگی خالصانه برای خدا موفق شدند. بنابراین، خداوند آن‌ها را برای جانشینی‌اش در زمین و برای این‌که امامان، سروران و رهبران باشند، انتخاب کرد.

۱۱. این شایستگی‌های بزرگ در اهل بیت آن‌ها را به بهترین الگو برای کسانی تبدیل کرده است که از آن‌ها پیروی کنند و از افعال و صفاتشان الگو بگیرند. سرنوشت کسی که از آنان پیروی کند، هدایت، صلاح، رهایی از گمراهی و سعادت در دنیا و آخرت خواهد بود. همان‌طور که رسول خدا ﷺ درباره آن‌ها در وصیت خود در بیعت غدیر فرمود: (اوصیکم بما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا بعدی ابدًا کتاب الله وعترتی اهل بیته حبلان ممدودان من السماء الی الارض فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض^(۱) به شما توصیه می‌کنم که اگر به این دو چیز تمسک جوئید، پس از من هرگز گمراه نخواهید

۱. بحار الانوار/ص ۶۲۰/ج ۲۹



شد: کتاب خدا و عترت من، اهل بیتم. این دو ریسمان کشیده از آسمان به زمین هستند و هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا بر من در کنار حوض کوثر وارد شوند.

۱۲. امت آن زمان آگاهی کافی از اهمیت محبت اهل بیت نداشتند. از یک سو جهل بر آنها غالب بود و از سوی دیگر تشویش طمع کاران و منافقین و دوستداران قدرت. همچنین تهدید تاریکی و منتظرانی که فرصت می‌جستند تا پیامبر و اهل بیت او را نابود کنند و آنچه خداوند به آنها از رهبری و سروری بخشیده بود، از آنها تصاحب کنند.

۱۳. اما تلاش‌های آنها بیهوده بود. زیرا رهبری، سروری، علم و حکمت هدیه‌ای الهی است که تاریکی نمی‌تواند آن را از بین ببرد. محمد و اهل بیت او همچنان سروران نیکوکار، امینان و جانشینان بر قلوب، عقول و ارواح هستند. اما ظالمان پیروان آنها می‌باشند که قلب‌هایی خالی از ایمان، علم و معرفت دارند.

۱۴. خداوند بندگان خود را با محمد و اهل بیت او امتحان کرد تا مؤمنی که از آنها پیروی می‌کند و بر هدایت آنها گام می‌نهد را از منافقی که در گفتار و کردار مخالف آنهاست، باز شناسد.

۱۵. همان‌طور که خداوند بندگان خود را با اهل بیت پیامبرش محمد ﷺ امتحان کرد، آنها را با وجود ظالمان آن عصر نیز امتحان کرد، تا مؤمنی که از خدا اطاعت می‌کند از کسانی که اطاعت نمی‌کنند و از ظالمان و منافقین پیروی می‌کنند، شناخته شوند. (لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ



لَسْمِيعٍ عَلِيمٍ^(۱)) تا آنکه هر کس که هلاک می‌شود، با دلیل هلاک گردد و هر کس که زنده می‌ماند، با دلیل زنده بماند و خداوند شنوا و دانا است.

۱۶. این امتحان همان حکمتی است که خداوند برای آن انسان‌ها را آفرید. چنان که فرمود: (أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ)^(۲)) آیا مردم گمان می‌کنند که رها می‌شوند چون گفتند: ایمان آوردیم و آنها آزمایش نمی‌شوند؟ و کسانی که پیش از آنها بودند را نیز آزمایش کردیم تا خداوند کسانی که راستگو هستند را بشناسد و دروغگویان را بشناسد.

و فرمود: (وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ)^(۳)) او کسی است که شما را جانشینان زمین قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. بی‌شک پروردگار تو سریع العقاب است و او بخشنده و مهربان است.

و فرمود: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ)^(۴)) آیا گمان کردید که به بهشت وارد می‌شوید

۱. سوره انفال/۴۲

۲. سوره عنکبوت/۳

۳. سوره انعام/۱۶۵

۴. سوره آل عمران/۱۴۲



و حال آنکه خداوند کسانی که از شما جهاد کردند و صابران را نمی‌شناسد؟

و فرمود: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ)^(۱) آیا گمان کردید که رها می‌شوید در حالی که خداوند کسانی از شما که جهاد کردند و به غیر از خدا و رسولش و مؤمنان دوستی نگرفتند، را نمی‌شناسد؟ و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

و فرمود: (وَلِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلِيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ)^(۲) خداوند کسانی که ایمان آوردند و منافقان را حتماً می‌شناسد.

۱۷. خداوند به کسانی که بر ایمان ثابت قدم می‌مانند و در توحید و عبادتش مخلص هستند، و از کسانی که او دستور به پیروی از آنها داده است یعنی محمد و آل محمد پیروی می‌کنند، خیر دنیا و آخرت را وعده داده است. همچنین پیروزی و عاقبت نیک و وراثت زمین و آنچه بر آن است، برای آنها خواهد بود. چنان‌که خداوند فرمود:

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)^(۳) خداوند به

۱. سوره توبه/ ۱۶

۲. سوره عنکبوت/ ۳

۳. سوره نور/ ۵۵



کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده داده است که آنها را در زمین خلیفه قرار دهد همان‌گونه که کسانی که پیش از آنها بودند را خلیفه قرار داد و دینشان را که برایشان پسندیده است، محکم کند و پس از ترسشان به آنها امنیت دهد که مرا عبادت کنند و هیچ چیز را شریک من نسازند. و کسانی که بعد از آن کافر شوند، آنها همان فاسقانند.

و فرمود: (وَيَجِيءُ اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ أَلْسُوءٌ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)^(۱) خداوند کسانی را که تقوا داشتند، به سبب کامیابی‌شان نجات می‌دهد؛ هیچ بدی به آنها نمی‌رسد و آنان اندوهگین نخواهند شد.

و فرمود: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ)^(۲) خداوند به کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، مغفرت و اجر عظیم وعده داده است.

و فرمود: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)^(۳) هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد چه مرد باشد و چه زن در حالی که مؤمن است، حتماً او را به زندگی پاکیزه‌ای زنده خواهیم کرد و پاداش آنها را به بهترین آنچه انجام می‌دادند، خواهیم داد.

۱۸. بنابراین هنگامی که خداوند به پیامبرش یاد داد که از امت خود پاداش بخواهد، او از آنها پاداشی معنوی خواست که موجب سعادت

۱. سوره زمر/۶۱

۲. سوره فتح/۲۹

۳. سوره نحل/۹۷



و صلاح آنها در زندگی دنیا و آخرت باشد و در این پاداش رضایت خداوند و خلود در بهشت و امنیت از عذاب و غضب او محقق شود. این پاداش معنوی همچنین موجب رفعت درجات پیامبر محمد و اهل بیت او خواهد بود، چیزی که هیچ چشمی ندیده و به دل هیچ بشری خطور نکرده است. این پاداش به ازای هر فردی است که هدایت می‌شود و بر راه و هدایت پیامبر گام می‌گذارد؛ زیرا او واسطه آن هدایت است.

۱۹. پس در برابر این خیر و بخشش که دنیا و آخرت را در بر می‌گیرد و شامل همه می‌شود، پیامبر و اهل بیت او چه نیازی به پاداش مادی و محدود دنیوی دارند که خداوند فرمود: (مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنْ جَزِينَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ)^(۱) آنچه نزد شماست تمام می‌شود و آنچه نزد خداست باقی می‌ماند و کسانی که صبر کردند، قطعاً پاداششان را به بهترین آنچه عمل می‌کردند، خواهیم داد.

و فرمود: (وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ)^(۲) زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که تقوا دارند، بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟ و فرمود: (وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ)^(۳) پاداش آخرت برای کسانی که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند، بهتر است.

۱. سوره نحل/ ۹۶

۲. سوره انعام/ ۳۲

۳. سوره یوسف/ ۵۷



و فرمود: (فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)^(۱) آنچه به شما داده شده، بهره‌ای از زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و پایدارتر است.

۲۰. به (مودت) بازمی‌گردیم که جوهره‌ای است درخشان که هر چه خداوند بخواهد از پرتوهای نورانی از معانی معنوی و بخشش‌های روحانی در آن نهفته است.

۲۱. این مودت به معنای محبت صادقانه و پیروی مخلصانه است... و دین بر پایه محبت بنا شده است، چنانکه در حدیث از امام باقر علیه السلام آمده است: (وهل الدين الا الحب)^(۲) آیا دین چیزی جز محبت است؟

۲۲. محبت و مودت تنها در صورتی محقق می‌شود که از دشمنان آن‌ها برائت بجوییم، زیرا هیچ صداقتی در آن محبت وجود ندارد اگر با منافقین سازش و مماشات کنیم.

۲۳. مودت معدن خیر و بخشش است... خانواده‌ای که بر پایه مودت بنا شده باشد، خانواده‌ای مبارک و موفق خواهد بود و محل هدایت، رزق، لطف و رحمت الهی خواهد بود، چنانکه خداوند می‌فرماید: (وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)^(۳) و از

۱. سوره شوری/۲۶

۲. محاسن برقی /ج ۱/ص ۲۶۳

۳. سوره روم/۲۱



نشانه‌های او این است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید، و میان شما مودت و رحمت قرار داد. به راستی در این برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است.

۲۴. مودت باعث برکت در روزی، طول عمر و دفع بلا می‌شود، زیرا یکی از معانی آن صله رحم و نیکویی به برادران و پدر و مادر و رحمت به مخلوقات خداست، چنانکه در حدیث آمده است: (الخلق عیال الله فأحب الخلق الی الله من نفع عیال الله وادخل علی اهل بیت سروراً)^(۱) مخلوقات خانواده خدا هستند، پس محبوب‌ترین خلق نزد خدا کسی است که به مخلوقات او نفع برساند و بر خانواده‌ای شادی وارد کند.

۲۵. مودت به معنای به همدیگر با رحمت رفتار کردن، همکاری، دوری از قطع رابطه، حسادت و دشمنی است، چنانکه در حدیث آمده است: (ارحموا من فی الأرض یرحمکم من فی السماء)^(۲) بر اهل زمین رحم کنید تا آنکه در آسمان است بر شما رحم کند. و در حدیث دیگری آمده است: (مثل المؤمن فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد الواحد إن اشتکی منه عضو تداعی له سائر الجسد بالسهر والحمی)^(۳) مثل مؤمنان در دوستی و ترحم به یکدیگر همچون بدن واحدی است که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا نیز با بی‌خوابی و تب به یاری او می‌شتابند.

۱. کافی ج ۲/ص ۱۶۴

۲. کنز العمال ج ۳/ص ۱۶۳

۳. کنز العمال ج ۱/ص ۱۴۹



۲۶. هستی در اتقان، حرکت و بخشندگی خود بر مودت و جاذبه و همگونی بین اشیاء، انرژی‌ها و ذرات و موجودات از کوچکترین ذره تا بزرگترین کهکشان‌ها استوار است. اگر جاذبه‌ای بین بارهای مثبت و منفی وجود نداشت، انرژی الکتریکی تولید نمی‌شد تا دستگاه‌ها و چراغ‌های برقی را روشن کند.

۲۷. مودت راهنمایی و مسیری به سوی محبت الهی و عمل خالصانه برای خداوند است... اخلاص تنها از طریق محبت به خدا و خلق او و مودت صادقانه به وسیله پیروی قولی و عملی از اهل بیت علیهم‌السلام تحقق می‌یابد.

۲۸. مودت راهنمایی و مسیری به سوی شناخت خداوند است، که همان هدفی است که خداوند برای آن مخلوقات را آفرید، چنانکه در حدیثی از امام علی علیه‌السلام آمده است: (اول الدین معرفته و کمال معرفته توحیده و کمال توحیده نفی الصفاف عنه)^(۱) آغاز دین شناخت اوست و کمال شناخت او توحید اوست، و کمال توحید او نفی صفات از اوست.

۲۹. مودت راهنمایی و مسیری به سوی عبادت خداوند است که هدف آفرینش مخلوقات است، چنانکه خداوند می‌فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)^(۲) و جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند... یعنی مرا بشناسند.

۱. کافی/ج ۱/ص ۱۴۰

۲. سوره ذاریات/۵۶



۳۰. و آن شناخت و این عبادت خداوند جز با مودت اهل بیت و پیروی قولی و عملی از آن‌ها تحقق نخواهد یافت، زیرا آن‌ها همانگونه که در زیارت جامعه کبیره آمده، دارای صفات بزرگی هستند: (من أراد الله بدأبکم ومن وحده قبل عنکم...سعد والله من ولاکم وهلک من عاداکم...بکم علما الله معالم دیننا واصلح ما فسد من دنیانا وبکم تقبل الطاعات المفترضة ولکم الموده الواجبه) هر که خدا را بخواند، از شما آغاز کند؛ و هر که او را یکتا بداند، از شما بپذیرد... به خدا قسم، کسی که ولایت شما را داشته باشد، سعادت‌مند است و کسی که با شما دشمنی کند، هلاک می‌شود... به واسطه شما خداوند نشانه‌های دین ما را به ما آموخت و آنچه از دنیای ما فاسد شده بود، اصلاح کرد و به واسطه شما طاعات واجب پذیرفته می‌شود و مودت واجب برای شماست.

۳۱. پیش از آنکه زیارت عظیمی مانند زیارت جامعه کبیره را بخوانید، هنگامی که یکی از معصومین را زیارت می‌کنید، به احترام و بزرگداشت ایشان، ابتدا در حالی که با غسل هستید شهادتین را بگویید: «اشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و اشهد أن محمد عبده و رسوله». هنگامی که وارد می‌شوید و قبر را می‌بینید، ۳۰ بار «الله اکبر» بگویید، سپس اندکی با آرامش و وقار قدم بزنید و دوباره ۳۰ بار «الله اکبر» بگویید. بعد از آن به قبر نزدیک شوید و ۴۰ بار «الله اکبر» بگویید تا مجموع تکبیرات به ۱۰۰ برسد. شاید علت این تکبیرات برای احترام و دوری از غلو و بی‌توجهی به عظمت خداوند باشد، هر چند که اهل بیت علیهم السلام هر چقدر هم بزرگ و با عظمت باشند،



همچنان فقیر و نیازمند به خدا و بندگان او هستند و این طبیعت انسانی است که تمایل به غلو دارد.

۳۲. زیارت جامعه کبیره یکی از معتبرترین و موثق‌ترین زیارات است که شیخ صدوق آن را در «من لا یحضره الفقیه» و «عیون أخبار الرضا» نقل کرده است. موسی بن عبدالله نخعی از امام علی نقی علیه السلام درخواست کرد که جمله‌ای کامل و بلیغ به او بیاموزد تا در هنگام زیارت یکی از معصومین بخواند و امام علیه السلام این زیارت را به او آموخت که دارای مضامین عالی است و به عفت و مودت اهل بیت علیهم السلام و شناخت مقام آن‌ها نزد خداوند می‌انجامد.

۳۳. در زیارت جامعه آمده است: (الی الله تدعون وعلیه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبأمره تعملون والی سبیله ترشدون وبقوله تحکمون) به سوی خدا دعوت می‌کنید و به او دلالت می‌کنید، به او ایمان می‌آورید و به او تسلیم می‌شوید، به فرمان او عمل می‌کنید، به راه او هدایت می‌کنید و به گفته او حکم می‌کنید.

۳۴. دلیل اینکه مقام اهل بیت به این جایگاه بزرگ رسیده است، آن است که در زیارت از ایشان خطاب می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود: (من اطاعکم فقد اطاع الله ومن عصاکم فقد عصی الله ومن احبکم فقد احب الله ومن ابغضکم فقد ابغض الله... هو أنهم أهل بیت النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومهبط الوحی ومعدن الرحمة وخزان العلم ومنتهی الحلم واصلو الكرم وقادة الأمم واولیاء النعم وعناصر الابرار ودعائم الاخيار وساسة العباد وأركان البلاد وابواب الایمان وامناء الرحمن وسلاله النبیین وصفوة المرسلین وعتره خیره



رب العالمین ورحمة الله وبرکاته) هر که از شما اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است؛ و هر که با شما دشمنی کند، با خدا دشمنی کرده است؛ و هر که شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته؛ و هر که شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است. زیرا آنان اهل بیت علیهم السلام نبوت، جایگاه رسالت، محل رفت و آمد فرشتگان، مهبط وحی، معدن رحمت، خزانه داران علم، اوج بردباری، اصول کرامت، رهبران امت‌ها، اولیاء نعمت‌ها، عناصر نیکان، پایه‌های خوبان، سیاستمداران بندگان، ارکان کشور، درهای ایمان، امانت‌داران خداوند، نسل پیامبران و برگزیدگان رسولان و عترت بهترین آفریدگان خداوند و رحمت و برکات خداوند بر آنها باد.

۳۵. صفاتی که از اهل بیت در موارد قبلی ذکر کردیم، به لطف خداوند، اگر در مودت و پیروی از آنان صادق باشیم، به ما نیز می‌رسد. پس با پیروی از آنان به علم، عفت، بردباری، کرامت، بزرگواری، نعمت، ایمان و دیگر فضایل دست خواهیم یافت، زیرا ما از آنان الگو می‌گیریم، آنان را دوست داریم و با هدایت آنان از دشمنانشان برائت می‌جوئیم.

۳۶. مودت و ولایت اهل بیت علیهم السلام به معنای تمسک به امامان هدایت و چراغ‌های روشنی‌بخش در تاریکی‌ها، پرچم‌داران تقوا، صاحبان خرد، پناهگاه جهانیان، وارثان پیامبران، نمونه عالی و دعوت نیکو، و حجت‌های خدا بر اهل دنیا و آخرت است... و آنان بهترین رهبران به سوی عفت و تقوا هستند.



۳۷. مودت و ولایت اهل بیت علیهم السلام به بنده هدایت و استقامت می‌بخشد و او را از ضلالت و نفاق در امان می‌دارد... و این صفات عیناً همان عفت است.

۳۸. مودت و ولایت اهل بیت نیز در عقل‌ها، قلب‌ها و روح‌ها تثبیت می‌شود و آن‌ها را با نور رضا و پذیرش از سوی خداوند منور می‌سازد... هنگامی که در زیارت جامعه کبیره به آن‌ها سلام می‌دهیم و می‌گوییم: (السلام علی محال برکة الله ومعدان حکمة الله وحفضة سر الله وحملة کتاب الله وأوصیاء نبی الله وذریة رسول الله صلی الله علیه و آله ورحمة الله و برکاته) سلام بر جایگاه‌های برکت خدا، معادن حکمت خدا، حافظان اسرار خدا، حاملان کتاب خدا، وصیای پیامبر خدا، ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله و رحمت و برکات خداوند بر آن‌ها باد.

۳۹. بنابراین، بنده‌ای که اهل بیت علیهم السلام را دوست دارد و به آنان ولایت دارد، همچنین از انصار خدا و حزب رستگاران خواهد بود... که به سوی خدا و محبت او دعوت می‌کنند، از اهل اخلاص در عبادت و تقوا هستند، به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند و از اهل عفت و دین خواهند بود.

۴۰. بنابراین، هر دوستدار اهل بیت علیهم السلام باید عهد و بیعت خود را با خدا، رسول و اهل بیت علیهم السلام او تجدید کند و این زیارت را همواره بخواند تا از رستگاران و سعادت‌مندان در دنیا و آخرت باشد. در این زیارت شهادت عظیم به خدا، رسول او و اهل بیت علیهم السلام او آمده است که می‌گوید: (اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له کما شهد الله



لنفسه وشهدت له ملائکته واولو العلم من خلقه لا إله الا هو العزيز الحكيم واشهد... گواهی می‌دهم که هیچ خدایی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد، چنانکه خدا برای خودش شهادت داده و فرشتگانش و صاحبان علم از مخلوقاتش نیز شهادت داده‌اند: خدایی نیست جز او، عزیز و حکیم. و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده برگزیده و رسول مورد پسند اوست که او را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هرچند مشرکان را ناخوش آید. و گواهی می‌دهم که شما امامان هدایت‌یافته، معصوم، مکرم، مقرب، صادق، برگزیده، مطیع خدا، قیام‌کنندگان به امر او، عاملان به اراده او، پیروزمندان به کرامت او هستید. خداوند شما را به علمش برگزید و برای غیبتش پسندید، شما را برای اسرارش انتخاب کرد و به قدرتش انتخابتان نمود، به هدایتش شما را عزیز کرد و به نشانه‌هایش شما را مخصوص نمود، شما را برای نورش انتخاب کرد و با روحش تأییدتان نمود، و شما را خلفای زمین و حجت‌های بر مخلوقاتش قرار داد، یاوران دین او، حافظان اسرارش، خزانه‌داران علمش، و محل امانت حکمتش هستید. شما مترجمان وصیت او، ارکان توحید او، شاهدان بر خلق او، پرچم‌داران بندگانش، چراغ‌های راه او و راهنمایان بر صراط مستقیم هستید.»

۴۱. این معانی عالی و صفات نیکو اهل بیت ﷺ که در زیارت جامعه کبیره ذکر شده، برکت، نور، هدایت و توفیق برای کسی است که در آن تدبر کرده و به محتوای آن ایمان دارد. کسی که همواره آن را می‌خواند، اهل بیت ﷺ را زیارت می‌کند و از آنها پیروی می‌نماید، به



لطف خدا و شفاعت محمد و آل محمد عليه السلام موفق می‌شود. این امر موجب سعادت او در دنیا و آخرت، دفع بلاها از او و دوستانش، افزایش عمر، روزی، علم و عمل و ثبات بر صراط خواهد بود.

۴۲. مودت و ولایت اهل بیت عليهم السلام در گفتار و عمل و ایمان در این زیارت به معانی آمده که به انسان انرژی روحی مثبت می‌بخشد و او را از اهل بصیرت و تقوی قرار می‌دهد. این انرژی به او نور و فرقانی می‌دهد که بین حق و باطل تمایز قائل شود؛ پس حق را حق می‌بیند و از آن پیروی می‌کند و باطل را باطل می‌یابد و از آن اجتناب می‌نماید و به حسن عاقبت دست می‌یابد.

۴۳. صفات نیک و ویژگی‌های والایی که اهل بیت عليهم السلام دارند، از جمله اخلاص، تقوا و اطاعت از خداوند و طلب رضایت او و هدایت و اصلاح بندگان، باعث شده است که به درجه عصمت و قرب به خداوند نائل شوند. چنان که در زیارت جامعه آمده است: (عصمکم الله من الزلزل وامنکم من الفتن و طهرکم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیرا) خداوند شما را از لغزش‌ها معصوم نگه داشت، از فتنه‌ها در امان داشت، از هر پلیدی پاک ساخت و رجس را از شما دور کرد و شما را پاک و مطهر گردانید.

۴۴. از دیگر ویژگی‌های بزرگ اهل بیت عليهم السلام که آن‌ها را به بالاترین درجات رسانده است، این است که خداوند را در قلب‌های خود جایگاه بزرگی بخشیدند. به او ایمان آوردند، او را بزرگ شمردند، به سوی او دعوت کردند، او را عبادت کردند و شناختند به گونه‌ای که او را از هر نقص و عیب منزّه دانستند. چنان که در همان زیارت نیز



آمده است: (فِعْظَمْتُمْ جَلَالَهُ وَاکْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَمَجْدْتُمْ کَرَمَهُ وَادْمْتُمْ ذِکْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِیْثَاقَهُ وَاحْکَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِی السِّرِّ وَالْعَلَانِیَةِ...) شما جلال او را بزرگ داشتید، شأن او را بزرگ دانستید، کرامت او را تجلیل نمودید، یاد او را پایدار نگه داشتید، پیمان او را تأیید کردید، اطاعت از او را محکم ساختید و در پنهان و آشکار برای او ناصح بودید. شما با حکمت و موعظه نیکو به سوی او دعوت نمودید، خود را در راه رضای او فدا کردید و بر آنچه در راه او به شما رسید، صبر کردید. نماز را برپا داشتید، زکات را پرداختید، به معروف امر کردید و از بدی نهی کردید. در راه خداوند، جهاد راستین کردید تا دعوت او را آشکار ساختید، فرائض او را بیان نمودید، حدود او را برپا داشتید، احکام و شریعت او را نشر دادید، سنت او را برقرار کردید و پیامبران او را که پیش از شما بودند، تصدیق نمودید.

۴۵. بنابراین، به دلیل همه آنچه که پیش‌تر از صفات و دلایل در مورد مقام والای اهل بیت نزد خداوند بیان کردیم، خداوند آن‌ها را معیاری برای سنجش اعمال بندگان قرار داد. او به ولایت، محبت و پیروی از آن‌ها دعوت کرد و کسی که از آن‌ها روی گردان باشد، به عنوان کافر و خارج از دین شمرده می‌شود. چنان‌که در آن زیارت بزرگ آمده است: «هر که از شما روی گردان شود، از دین خارج است و هر که به شما پایبند باشد و از شما پیروی کند، از اهل دین و تقوا است.» در همان زیارت آمده است: «پایبند به شما، به حق خواهد رسید و کوتاهی‌کننده در حق شما نابود خواهد شد. حق با شما و در میان شما و از شما است و به سوی شما بازمی‌گردد. شما



اهل حق و معدن آن هستيد. ميراث نبوت نزد شما است. بازگشت همه خلائق به سوى شما است و حساب آنان با شما است. حكم نهايى و فصل الخطاب نزد شما است. آيات خدا در نزد شما است. عزيمت هاى او در ميان شما است. نور و برهان او در نزد شما است و امر او به سوى شما است. هر كه شما را دوست داشته باشد، خدا را دوست داشته است و هر كه با شما دشمنى كند، با خدا دشمنى كرده است. هر كه شما را دوست بدارد، خدا را دوست داشته و هر كه شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است. هر كه به شما تمسك كند، به خدا تمسك كرده است.»

۴۶. اهل بيت عليهم السلام همان صراط مستقيم هستند كه هر كس بر مسير آنها قدم بردارد، به رضاي خداوند و بهشت او خواهد رسيد و سعادت دنيا و آخرت را به دست خواهد آورد. آنها همان كسانى هستند كه خداوند آنان را شاهد بر اعمال بندگان قرار داده و براى مؤمنان و دوستدارانشان نزد خدا شفاعت مى كنند. چنان كه در زيارت نيز آمده است: «شما همان صراط راستين هستيد و شاهدان دار دنيا و شفيعان دار باقى و رحمت متصل و آيه مخزون و امانت محفوظ و دروازه اى كه مردم به وسيله آن امتحان مى شوند. هر كس به سوى شما بيايد، نجات مى يابد و هر كس به سوى شما نيايد، هلاك مى شود. شما به سوى خدا دعوت مى كنيد، به او دلالت مى كنيد، به او ايمان داريد، به او تسليم مى شويد، به فرمان او عمل مى كنيد، و به راه او هدايت مى كنيد و به كلام او حكم مى رانيد. خوشبخت است هر كه ولايت شما را پذيرفته و هلاك ميگردد هر



که با شما دشمنی کند. زیان کار است هر که شما را انکار کند و گمراه است هر که از شما جدا شود. رستگار است هر که به شما تمسک کند، و در امان است هر که به سوی شما پناه آورد. هر که شما را تصدیق کند، در سلامت است و هر که به شما تمسک جوید، هدایت یافته است. کسی که از شما پیروی کند، جایگاه او بهشت است و کسی که با شما مخالفت کند، جایگاه او جهنم است. هر که شما را انکار کند، کافر است و هر که با شما جنگ کند، مشرک است و هر که با شما مخالفت کند، در پایین ترین درجات جهنم خواهد بود.»

۴۷. مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام موقت نیست که فقط به رسالت اسلامی محمدی مربوط باشد، بلکه در تمام زمان‌ها و دوران‌ها جاری بوده و وجوب آن بر تمامی امت‌ها و پیامبران پیشین نیز حکم فرما بوده است. چنان‌که در زیارت نیز آمده است: (اشهد ان هذا سابق لکم فیما مضی و جار لکم فیما بقی) شهادت می‌دهم که این امر (مودت اهل بیت) از گذشته برای شما بوده و در آینده نیز برای شما برقرار خواهد بود.

۴۸. خداوند متعال این انوار مقدس (محمد و آل محمد) را گرامی داشت و به آنان شرف بخشید، به گونه‌ای که آنان پیوسته در اطراف عرش الهی خداوند را تسبیح و تقدیس می‌کنند، به هر اندازه در طول زمان‌ها و دوران‌ها که خداوند بخواهد. چنان‌که در آن زیارت مبارک نیز آمده است: «و ارواح و نور و طینت شما یکی است که پاک و پاکیزه است، بعضی از برخی دیگر آفریده شده‌اید. خداوند



شما را به صورت انوار خلق کرد و شما را گرد عرش خود قرار داد و بر ما منت نهاد و شما را در خانه‌هایی که خداوند اجازه داده بلند و رفیع شوند و در آنها نام او ذکر گردد، قرار داد.» مودت، دوستی و پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام از بزرگ‌ترین نعمت‌ها بر بندگان است.

۴۹. مودت، دوستی و پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام از بزرگ‌ترین نعمت‌ها بر بندگان است؛ زیرا آثار و برکات بی‌شمار و غیرقابل شمارشی بر آن مترتب است. همان‌طور که در این زیارت مبارک ذکر شده و آمده است: «و خداوند درود و صلوات ما بر شما و آنچه از ولایت شما نصیب ما کرده را سبب پاکیزگی خلقت ما، طهارت جان‌های ما، تزکیه ما و کفاره گناهان ما قرار داده است. پس ما به واسطه فضل شما نزد خداوند مسلمان محسوب شده‌ایم و با تصدیق شما شناخته شده‌ایم.»

۵۰. فضل بزرگ و نعمت عظیمی که بندگان به سبب ولایت صادقانه‌شان نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام به دست می‌آورند، صدقه جاریه‌ای برای محمد و آل محمد است. این نعمت به برکت جهاد و فداکاری‌هایی است که اهل بیت علیهم‌السلام برای نجات بندگان از گمراهی و هدایت آن‌ها به سوی رضای خداوند تقدیم کرده‌اند. این امر مقام آن‌ها را بسیار بالا برده است. چنان‌که در این زیارت آمده است: «خداوند به واسطه شما اهل بیت علیهم‌السلام، شما را به شریف‌ترین جایگاه‌ها، بالاترین منازل مقربین و عالی‌ترین درجات پیامبران رسانید، به گونه‌ای که هیچ‌کس به مقام شما نمی‌رسد و هیچ فائق و سباقی بر شما پیشی نمی‌گیرد و هیچ طمع‌کاری امید درک مقام



شما را ندارد. تا جایی که هیچ ملک مقربی، هیچ پیامبر فرستاده‌ای، هیچ صدیق، شهید، عالم، جاهل، پست، فاضل، مؤمن صالح، فاجر طالح، جبار ستمگری، شیطان سرکش یا هر مخلوق دیگری در میان آن‌ها نیست مگر این‌که به عظمت امر شما، بزرگی شأن شما، کمال نور شما، صدق مقام شما، ثبات جایگاه شما، شرف مقام و منزلت شما نزد خداوند و کرامت ویژه شما بر او و نزدیکی شما به او شهادت می‌دهند.»

۵۱. عظمت اهل بیت علیهم‌السلام و اخلاص آن‌ها در معرفت خداوند، عبادت او و هدایت بندگان و سرزمین‌ها به سوی صلاح و اصلاح، و نزدیکی آن‌ها به خداوند متعال، ما را بر آن داشته است که با ادب خاصی که در این زیارت آمده است، آنان را بر پدران و مادران خود برتری دهیم و در طاعت خود مقدم بدانیم. در پیشگاه آنان شهادت می‌دهیم که از پیروان ایشان هستیم و به عقیده حقیقی که ما را به سوی آن دعوت کرده‌اند، یعنی ایمان به خداوند و اخلاص در عبادت او و ولایت محمد و آل محمد و دشمنی با دشمنانشان، باور داریم و اعلام می‌کنیم. ما با کسانی که با آنان در صلحند، در صلحیم و با کسانی که با آنان جنگ می‌کنند، در جنگ. به آنان می‌گوییم: «پدر و مادرم و اهل و مال و خانواده‌ام فدای شما باد. خدا را شاهد می‌گیرم و شما را نیز شاهد می‌گیرم که من به شما و آنچه شما به آن ایمان دارید، مؤمنم و به دشمنانتان و آنچه آن‌ها به آن کافرند، کافر. به مقام والای شما بینا هستم و به گمراهی کسانی که با شما مخالفت می‌کنند، آگاهم. دوستدار شما و دوستانتان و دشمن



دشمنانتان هستم و با آنان سر دشمنی دارم. در صلح با کسانی هستم که با شما در صلح‌اند و در جنگ با کسانی که با شما در جنگ‌اند. آنچه را که شما حق دانسته‌اید، من نیز حق می‌دانم و آنچه را که باطل شمرده‌اید، من نیز باطل می‌دانم. مطیع شما هستم، به حق شما آگاه و به فضیلت شما معترف. علم شما را درک کرده‌ام و به پیمان شما وفادارم و به شما اعتراف دارم.»

۵۲. از مسائل اعتقادی مهم که باید به آن باور داشت، ایمان به رجعت اهل بیت علیهم‌السلام به دنیا است؛ قیام آن‌ها برای برپایی امر الهی، جاننشینی زمین، رهبری کشورها و بندگان، از بین بردن فساد و انحراف، و گسترش عدل و احسان، تا جایی که زمین پر از عدالت و قسط شود همان‌طور که از ظلم و جور پر شده بود. در این زیارت آمده است: «من به شما ایمان دارم و به رجعت شما باور دارم، منتظر امر شما و چشم به راه دولت شما هستم، به سخنان شما عمل می‌کنم و به فرمان شما پایبندم.» خداوند متعال نیز این وعده‌های مبارک را تأیید کرده است، آنجا که می‌فرماید: (وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) ^(۱) «و همانا در زبور پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد.» و نیز فرموده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ

۱. سوره انبیاء/ ۱۰۵



كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأَوْلَايَكَ هُمْ الْأَفَاسِقُونَ^(۱)» خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است که آن‌ها را در زمین جانشین می‌کند، همان‌طور که پیشینیان را جانشین کرد، و دینشان را که برایشان پسندیده، پابرجا می‌سازد و پس از ترس، امنیت را برایشان جایگزین می‌کند. آن‌ها مرا عبادت می‌کنند و هیچ چیز را شریک من نمی‌گردانند. و کسانی که پس از این کافر شوند، فاسقند.» همچنین فرموده است: (وَتُرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)^(۲) «و ما اراده کردیم که بر کسانی که در زمین ناتوان شمرده شده‌اند، منت نهیم و آن‌ها را پیشوایان قرار دهیم و وارثان زمین گردانیم.»

۵۳. و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به شفاعت آن‌ها نزد خداوند متعال نائل خواهند شد، به هدایت و نزدیکی به خدا، و موفقیت در انجام کارهایی که مورد رضایت اوست و همچنین برآورده شدن حاجات دنیوی و اخروی، چرا که در ولایت و پیروی از اهل بیت صادق هستند و به اخلاق آن‌ها آراسته شده‌اند. آن‌ها به یاری اهل بیت علیهم‌السلام، به‌ویژه در زمان بازگشت آن‌ها به دنیا، موفق خواهند شد. در زیارت آمده است که پیرو می‌گوید: «من به شما پناه آورده‌ام، زائر شما هستم، در پناه و حمایت قبور شما قرار دارم، و از خداوند متعال به‌واسطه شما شفاعت می‌طلبم و با شما به او تقرب می‌جویم. شما را پیشوای تمامی حاجات و خواسته‌هایم در همه احوال و امور خود

۱. سوره نور/۵۵

۲. سوره قصص/۵



قرار داده‌ام. من به نهان و آشکار شما، به حاضران و غایبان شما، و به اول و آخر شما ایمان دارم. در همه این امور به شما تفویض کرده‌ام و با شما همدل هستم. قلبم تسلیم شماست و نظرم تابع شماست، و یاری من برای شما آماده است تا زمانی که خداوند دینش را به واسطه شما زنده کند و شما را در روزهای خود بازگرداند و عدالتش را به واسطه شما آشکار کند و شما را در زمین توانمند سازد. من با شما هستم، با شما هستم و نه با کسی دیگر. به شما ایمان آوردم و به آخر شما ولایت دارم، همان‌گونه که به اول شما ولایت داشتم.»

۵۴. از ضروریات اعتقادی که باعث می‌شود پیرو اهل بیت علیهم‌السلام به شفاعت آن‌ها نائل شود، تبری جستن از دشمنان اهل بیت است. همان‌طور که در همان زیارت نیز آمده است: «من به درگاه خدای عز و جل از دشمنان شما بیزاری می‌جویم؛ از جبت و طاغوت، از شیاطین و حزب آن‌ها که به شما ظلم کردند، حق شما را انکار نمودند، از ولایت شما خارج شدند، میراث شما را غصب کردند، به شما شک کردند و از شما منحرف شدند. همچنین از هر کسی که به غیر از شما به‌عنوان دوست اطاعت کند و از امامانی که مردم را به آتش دعوت می‌کنند، بیزاری می‌جویم.»

۵۵. محبت اهل بیت و ولایت صادقانه در پیروی از آن‌ها و یاریشان به صورت قولی و عملی و دفاع از آن‌ها، به پیروان ثبات در دین، نائل شدن به شفاعت، توفیق در اطاعت از خداوند و نجات از تمامی خطرات، گمراهی‌ها و فتنه‌های دنیوی و اخروی و بازگشت همراه با



آن‌ها و بهره‌مندی از دولت مبارکشان را عطا می‌کند. همان‌طور که در همان زیارت نیز آمده است که با ادب و دعا می‌گوییم: «پس خداوند مرا تا زمانی که زنده‌ام بر ولایت و محبت شما و دین شما ثابت قدم بدارد، و مرا موفق به اطاعت از شما کند، شفاعت شما را روزی من گرداند، و مرا از بهترین پیروان شما که به آنچه دعوت کرده‌اید پیروی می‌کنند قرار دهد، و از کسانی باشم که آثار شما را دنبال کرده و به راه شما هدایت یافته‌اند، و در روز رستاخیز در جمع شما محشور شوم، و در رجعت شما بازگردم، در دولت شما ملک و جایگاه داشته باشم، در سلامت شما مشرف گردم، و در روزهای شما قدرت یابم، و فردا از دیدن شما چشمم روشن گردد.»

۵۶. اهمیت بسیار بالای امامان اهل بیت علیهم‌السلام به‌طور مکرر در عباراتی مانند "پدر و مادرم فدای شما" بیان شده است. آن‌ها پدران و مادران معنوی‌ای هستند که نه تنها جسم پیروان را، بلکه روح آن‌ها را نیز تربیت می‌کنند و علاوه بر قلب‌ها، عقل‌هایشان را با علم، معرفت و معانی روحانی والا تکمیل می‌نمایند. با پیروی از ایشان، نجات از فتنه‌های دنیا و هراس‌های آخرت به‌دست می‌آید، زیرا آن‌ها کشتی‌های نجات هستند. چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به علی علیه‌السلام فرمود: (یا علی انا وانت ابوا هذه الامه)^(۱) "ای علی، من و تو پدران این امت هستیم." آن‌ها دروازه توحید و پذیرش اعمال هستند، زیرا نور هدایت و حجت‌های خداوند هستند. همان‌طور که در زیارت آمده است: "پدر و مادرم و جانم و خانواده‌ام و مالم فدای شما باد.

۱. عیون اخبار الرضا / ج ۲ / ص ۹۱



هر کس خدا را بخواهد، از شما آغاز می‌کند؛ و هر که او را یکتا می‌شمارد، از شما می‌پذیرد؛ و هر که او را قصد کند، به شما رو می‌آورد. ای سروران من، نمی‌توانم ثنای شما را به شمار آورم و از مدح شما به حقیقت برسم و از وصف شما به قدر واقعی‌تان پی ببرم. شما نور نیکان، هدایت‌گران نیکوکاران و حجت‌های پروردگار هستید."

۵۷. عظمت اهل بیت علیهم‌السلام به گونه‌ای است که هیچ توصیف‌گری نمی‌تواند به طور کامل آن را بیان کند. خداوند آن‌ها را واسطه‌ای برای تمامی خیرات در آسمان و زمین، در دنیا و آخرت برای پیروانشان قرار داده است، و هر کس از آن‌ها فاصله بگیرد، به زیان و شکست خواهد رسید. چنان‌که در همان زیارت آمده است: "به واسطه شما خداوند درها را گشود و به شما ختم می‌کند، به واسطه شما باران می‌فرستد و به شما آسمان را نگه می‌دارد که بر زمین نیفتد مگر به فرمان او. به واسطه شما غم‌ها برطرف و مشکلات رفع می‌شوند. نزد شماست آنچه فرستادگان خداوند آوردند و آنچه فرشتگانش نازل کردند... و به جد شما... و اگر این زیارت مربوط به علی علیه‌السلام است... و به برادرت روح الامین (جبرئیل) فرستاده شد... خداوند به شما چیزی عطا کرده که به هیچ یک از جهانیان نداده است."

۵۸. همچنین در زیارت می‌گوییم: "هر شریف و بزرگی در برابر شرافت شما سر فرود آورد، هر متکبری به اطاعت از شما تن داد، هر جبار و ستمگری به فضیلت شما تسلیم شد، و هر چیزی در برابر



شما خوار و ذلیل شد. زمین با نور شما روشن شد و کامیابان با ولایت شما به سعادت رسیدند. به واسطه شما به سوی رضوان الهی راه پیدا می‌شود و هر کس که ولایت شما را انکار کند، مورد خشم خداوند رحمان قرار می‌گیرد."

۵۹. و دوباره به این جمله بازمی‌گردد که: "پدر و مادرم فدای شما باد" تا عظمت آنان را از جنبه دیگری روشن کند و به حضور آنان و ارواحشان اشاره کند که شاهد اعمال بندگان هستند. در ادامه می‌گوید: "ذکر شما در میان ذکر کنندگان است، نام‌های شما در میان نام‌ها، بدن‌های شما در میان بدن‌ها، ارواح شما در میان ارواح، و نفوس شما در میان نفوس، آثار شما در میان آثار و قبور شما در میان قبور. چه شیرین است نام‌های شما، چه بزرگوار است نفوس شما، چه عظیم است شأن شما، چه والا است مقام شما، چه کامل است عهد شما و چه راستین است وعده شما."

۶۰. عظمت آنان ناشی از صفات بزرگوارانه‌ای است که پیشتر ذکر شد، علاوه بر آنچه که در این زیارت نیز بیان شده است. در این زیارت آمده است: "گفتار شما نور است، فرمان شما رشد و هدایت است، توصیه شما تقواست، عمل شما خیر است، عادت شما احسان است، سرشت شما کرم است، شأن شما حق، صداقت و مهربانی است، گفتار شما حکم و قطعی است، نظر شما علم، حلم و دقت است. هرگاه از خیر سخن گفته شود، شما آغاز، ریشه، شاخه، معدن، مأوا و نهایت آن هستید."

۶۱. و دوباره با خضوع در برابر عظمت و مقام والای اهل بیت بازمی‌گردد و اذعان می‌کند که آنان سبب هر خیری در دنیا و آخرت



به لطف خداوند متعال هستند. در این بخش از زیارت می‌گوید:
«بأبی أنتم و أمی و نفسی... چگونه می‌توانم نیکویی ستایش شما را
توصیف کنم و بلائی جمیل شما را بشمارم؟ به واسطه شما، خداوند
ما را از ذلت خارج کرد و غم‌ها و سختی‌ها را از ما برطرف ساخت و
ما را از لب پرتگاه‌های هلاکت و از آتش نجات داد.»

۶۲. و دوباره با خضوع و ادب به عظمت اهل‌بیت اشاره می‌کند و
یادآور می‌شود که به برکت محبت و ولایت آنان، خداوند معالم دین
را به ما آموخت و آنچه در دنیای ما فاسد شده بود، اصلاح کرد. در
این بخش از زیارت می‌گوید: «بأبی أنتم و أمی و نفسی» و یادآور
می‌شود که به واسطه محبت و ولایت شما، کلمه حق ثابت شد و
نعمت عظیم تحقق یافت و اختلافات به اتحاد تبدیل شد. به واسطه
محبت شما، طاعات واجب مورد قبول قرار گرفت و محبت شما
واجب است. همچنین، درجات رفیع، مقام محمود، مکان معلوم در
پیشگاه خداوند، جاه بزرگ و شأن عظیم و شفاعت مقبول به شما
اختصاص دارد.

۶۳. به همین ترتیب، اهل‌بیت علیهم‌السلام با آداب الهی، موالیان خود را
تربیت می‌کنند تا عقیده و ایمانشان تقویت شود و درجه توحیدشان
به خداوند و نزدیکی‌شان به او بالا رود. در این حالت، زمانی که به
درگاه خداوند دعا کنند، خداوند به دعاهایشان پاسخ می‌دهد و اگر
خیر بخواهند یا از او طلب آمرزش کنند، دعایشان را می‌پذیرد و
رزق و غفران به آنان عطا می‌کند. زیرا آنها به خداوند در ولایت
کسی که به ولایت او دستور داده، اطاعت کرده و از دشمنان آنان



برائت جسته‌اند. در این زیارت آمده است که موالی باید بگوید: «ربنا
أما بما أنزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين، ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمةً إنك أنت الوهاب.
سبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولاً» پروردگارا، ما به آنچه نازل
کردی ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را در زمره‌ی
شاهدان (حق) قرار ده. پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی،
دل‌های ما را از راه منحرف مگردان و از جانب خودت رحمتی به ما
عطا فرما، زیرا تو بخشنده‌ی بزرگی. منزّه است پروردگار ما، بی‌تردید
و عده‌ی پروردگار ما انجام‌شدنی است..

۶۴. بنابراین، آنها شفاعت‌کنندگان ما در برابر خداوند در آموزش
گناهان هستند. ما در این زیارت می‌گوییم: (یا ولی الله إن بینی
وبین الله عز وجل ذنباً لا یأتی علیها إلا رضاکم...) ای ولی خدا! بین
من و خداوند عز وجل گناهی وجود دارد که جز به واسطه‌ی
رضایت شما برطرف نمی‌شود. به حق کسی که شما را بر حفظ راز
خود امین قرار داد و امر خلقتش را به شما سپرد و طاعت شما را با
طاعت خود قرین ساخت، چون شما گناهانم را بخشیدید و
شفاعت‌کنندگان من بودید، من برای شما مطیع هستم... کسی که
شما را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و کسی که شما را نافرمانی
کند، خدا را نافرمانی کرده است. کسی که شما را دوست بدارد، خدا
را دوست دارد و کسی که شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته
است.

۶۵. و به‌خاطر اهمیت ولایت آنها و پیروی از آنها و صلوات بر آنها... و
برائت از دشمنانشان، خداوند این ولایت و برائت را سبب تزکیه نفس



و اخلاق ما و طهارت و کفاره گناهان قرار داد. در همان زیارت آمده است که: صلوات ما بر شما و آنچه به ما مربوط است از ولایت شما، طبیعتی برای خلق ما و طهارت برای نفس‌های ما و تزکیه‌ای برای ما و کفاره‌ای برای گناهان ماست. پس ما نزد او مسلمان بودیم به فضل شما و به تصدیق شما شناخته شدیم.

۶۶. صفات نیک و ویژگی‌های برجسته‌ای که در نقاط قبلی و در این زیارت مبارک ذکر شده، تنها در محمد ﷺ و اهل بیت او ع‌ا‌س‌ل‌ا‌له متمرکز است. هر کس که این صفات را به غیر از آنان نسبت دهد، دروغگو است؛ به ویژه کسانی که حق امیر مؤمنان را در خلافت غصب کردند و عنوان "امیر مؤمنان" را که تنها شایسته او و امامان بعد از اوست، از وی ربودند و همچنین عنوان‌هایی مانند "فاروق" و "صدیق" را نیز به ناحق به خود نسبت دادند. این عمل از حسادت، کینه، دشمنی، نفاق و کفر نسبت به خدا و رسول او نشأت می‌گیرد. بنابراین، لعنت خدا بر کسانی که می‌خواهند نور محمد و اهل بیت او را خاموش کنند. آنان خائب و خاسرند که به تکذیب آن‌ها و دشمنی با آن‌ها می‌پردازند، چنان‌که در قرآن آمده است: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلًّا أَنْ يُتَمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^(۱). از این رو، در زیارت آمده است که مؤمن باید آداب دعا را بیاموزد و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ وَالْأَمَّةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتَهُمْ شَفْعَائِي. فَبِحَقِّهِمُ الذِّي أَوْجِبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَدْخُلَنِي فِي جَمَلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ وَفِي زَمْرَةِ

۱. سوره توبه/۳۲



المرحومين بشفاعتهم، إنك أرحم الراحمين. وصلى الله على محمد وآله الطاهرين، وسلم كثيراً، وحسبنا الله ونعم الوكيل». خداوندا! اگر شفاعت کنندگانی نزدیک تر به تو از محمد ﷺ و اهل بیت پاک او و امامان نیکوکار می یافتم، آنها را شفاعت کنندگان خود قرار می دادم. پس به حق آنها که بر خودت واجب کردی، از تو می خواهم که مرا در زمره آشنایان به آنها و حق آنها قرار دهی و در صف بندگان رحمت یافته با شفاعت آنها، چرا که تو بخشنده ترین بخشنندگان هستی. و درود خدا بر محمد و اهل بیت پاک او باد، و خداوند ما را کفایت کند و بهترین پشتیبان باشد.

۶۷. و علامه مجلسی تصریح کرده که «زیارت جامعه کبیره» یکی از عالی ترین زیارت هاست، هم از نظر متن و هم از نظر سند و آن را فصیح ترین و بلیغ ترین زیارت دانسته است... و پدرش در (شرح الفقیه) گفته است که این زیارت بهترین و کامل ترین زیارت هاست و من از زمانیکه در عتبات مقدسه بوده ام، جز با این زیارت به زیارت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نرفته ام.

داستان الرشتی

این داستان فضیلت خواندن زیارت جامعه کبیره را نشان می دهد: سید احمد رشتی در طول سفر حج خود، پس از جدا شدن از قافله، به دیدار حضرت حجت (عج) مشرف شد. محدث نوری رحمه الله در کتاب «النجم الثاقب» چنین روایت می کند: جناب مستطاب، سید احمد، فرزند سید هاشم، فرزند سید حسن رشتی، ساکن شهر رشت،



که خداوند او را حفظ کند، حدود هفده سال پیش به زیارت نجف اشرف مشرف شد. او به همراه عالم ربانی و فاضل صمدانی، شیخ علی رشتی، طاب ثراه، به خانه من آمد. وقتی از جا بلند شدیم تا بیرون برویم، شیخ به من اشاره کرد که سید احمد از صلحا و افراد نیکوکار است و به من فهماند که داستانی عجیب دارد، اما در آن لحظه فرصت نشد تا آن را بیان کند. پس از چند روز، شیخ به من گفت که سید احمد از آنجا رفته است و بخشی از احوال و داستان سید را برای من نقل کرد. من بسیار افسوس خوردم که این داستان را مستقیماً از او نشنیدم، هرچند که مقام شیخ آن چنان بالاست که هرگز چیزی خلاف آنچه نقل شده را بیان نمی‌کرد.

این موضوع در ذهن من باقی ماند تا اینکه در ماه جمادی‌الثانی همان سال، وقتی از نجف اشرف به کاظمین بازمی‌گشتم، با سید صالح مذکور ملاقات کردم. او از سامرا بازمی‌گشت و قصد سفر به ایران را داشت. من از او درباره آنچه شنیده بودم، به خصوص داستان معروفش، پرسیدم و او تمام آن را برایم نقل کرد که با نقل قبلی مطابقت داشت. و داستان این‌گونه است:

در سال ۱۲۸۰ هجری قمری، عازم حج شدم. از مرزهای رشت به تبریز رسیدم و در خانه حاج صفر علی، تاجر تبریزی معروف، اقامت کردم. به دلیل نبود قافله، سرگردان ماندم تا اینکه حاج جبار جلودار سدهی اصفهانی، قافله‌ای به سمت طرابوزن تدارک دید. از او مرکبی برای خودم اجاره کردم و سفرم را آغاز کردم. وقتی به نخستین منزل رسیدیم، سه نفر دیگر که با توصیه حاج صفر علی همراه شده بودند به ما ملحق شدند. یکی از آنها حاج ملا باقر تبریزی بود که به



نیابت از دیگران حج می کرد و نزد علما شناخته شده بود. دیگری حاج سید حسین، تاجر تبریزی، و سومی مردی به نام حاج علی بود که به خدمت مشغول بود.

سپس با یکدیگر سفر کردیم تا به "سرزمین روم" رسیدیم. قصد داشتیم از آنجا به "طرابوزن" برویم. در یکی از منزل‌هایی که بین این دو شهر بود، حاج جبار جلودار نزد من آمد و گفت: «این منزلی که پیش رو داریم، ترسناک است، پس عجله کنید تا همیشه همراه قافله باشید.» زیرا اغلب ما در دیگر منازل از قافله کمی عقب می‌افتادیم. حدود دو ساعت و نیم یا سه ساعت تا صبح باقی مانده بود و ما با هم حرکت کردیم. وقتی به اندازه نیم یا سه چهارم فرسخ از منزلی که در آن بودیم، دور شدیم، ناگهان هوا تغییر کرد و هوا تاریک شد و برف شروع به باریدن کرد. در آن لحظه، هر یک از همراهان ما سرشان را پوشاندند و سرعت قدم‌هایشان را بیشتر کردند. من هم چنین کردم تا به آنها برسم، اما نتوانستم و آنها رفتند و من تنها ماندم.

سپس از اسبم پیاده شدم و در کنار جاده نشستم. اضطراب شدیدی بر من حاکم شد، زیرا حدود ششصد تومان برای هزینه‌های سفر همراه داشتم. پس از فکر و تأمل درباره وضعیتم، تصمیم گرفتم تا زمانی که فجر طلوع کند، در همان مکان بمانم. سپس به محلی که از آن آمده بودم بازگردم و چند نفر از نگهبانان را با خود بگیرم و دوباره به قافله ملحق شوم.

در این میان، باغی در مقابلم دیدم و در آن باغ، یک کشاورز را مشاهده کردم که با بیلی که در دست خود داشت به درختان می‌زد



و برف‌ها از آنها می‌ریخت. او به طرف من آمد و فاصله‌اش با من کم شد. سپس گفت: «تو کیستی؟» من پاسخ دادم: «دوستانم رفتند و من تنها ماندم و راه را نمی‌شناسم، گم شده‌ام.» او به زبان فارسی گفت: «نافله بخوان تا راه را پیدا کنی» (یعنی نماز شب بخوان تا راه را بشناسی). من مشغول خواندن نماز نافله شدم و بعد از پایان تهجد، او دوباره نزد من آمد و گفت: «آیا هنوز نرفتی؟» من گفتم: «به خدا قسم، راه را نمی‌دانم.» او گفت: «زیارت جامعه را بخوان.» من زیارت جامعه را حفظ نبودم و هنوز هم حفظ نیستم، با اینکه چندین بار به زیارت عتبات مقدسه مشرف شده‌ام. اما در همان مکان ایستادم و زیارت جامعه را به طور کامل از حفظ خواندم. سپس دوباره آمد و گفت: «هنوز نرفتی؟» در آن لحظه بی‌اختیار اشک در چشمانم جاری شد و گریستم و گفتم: «هنوز اینجا هستم و راه را نمی‌دانم.» او گفت: «زیارت عاشورا را بخوان.» همچنین من زیارت عاشورا را هم حفظ نبودم و هنوز هم حفظ نیستم. از جای خود بلند شدم و شروع به خواندن زیارت عاشورا از حفظ کردم تا اینکه تمام زیارت را، از لعن‌ها تا سلام‌ها و دعای علقمه، خواندم. بعد از اینکه زیارت را تمام کردم، او دوباره نزد من آمد و گفت: «هنوز نرفتی؟ هنوز اینجا هستی؟» من گفتم: «نه، من هنوز اینجا هستم و تا صبح خواهم ماند.» او گفت: «الان تو را به قافله می‌رسانم.»

سپس رفت و بر الاغی سوار شد و بیلچه‌اش را بر دوشش گذاشت و به سوی من بازگشت و گفت: «پشت سر من روی الاغم سوار شو.» من سوار شدم و افسار اسبم را گرفتم، اما اسبم حرکت نکرد. او



گفت: «افسار اسب را به من بده.» افسار را به او دادم، او بیلچه را بر دوش چپش گذاشت و با دست راست اسب را گرفت و به راه افتاد. به طرز شگفت‌انگیزی، اسب از او اطاعت کرد و به دنبال او حرکت کرد.

او دستش را بر زانویم گذاشت و گفت: «چرا نماز نافله نمی‌خوانید؟ نافله... نافله... نافله» (این جمله را سه بار تکرار کرد). سپس گفت: «چرا زیارت عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا... عاشورا... عاشورا» (سه بار تکرار کرد). بعد از آن گفت: «چرا زیارت جامعه را نمی‌خوانید؟ جامعه... جامعه... جامعه» (سه بار تکرار کرد). هنگامی که مسافت را طی می‌کردیم، او به صورت چرخشی راه می‌پیمود. ناگهان برگشت و گفت: «اینجا دوستان هستند.» آنها در کنار رودخانه‌ای نشسته بودند و وضو می‌گرفتند تا نماز صبح را بخوانند.

من از الاغ پایین آمدم تا بر اسبم سوار شوم، اما نتوانستم. او پایین آمد و با بیل به برف‌ها ضربه زد و مرا سوار اسبم کرد و سر اسبم را به سوی دوستانم چرخاند. در همین لحظه، به ذهنم رسید: این مرد که به زبان فارسی صحبت می‌کند کیست؟ زیرا مردم این منطقه فقط به زبان ترکی صحبت می‌کنند و غالباً پیرو مذهب عیسوی (مسیحی) هستند. او چطور توانست مرا با این سرعت به دوستانم برساند؟ به پشت سرم نگاه کردم، اما هیچ کس را ندیدم و هیچ اثری از او پیدا نکردم. سپس به رفقایم پیوستم.



ارتباط مودت اهل بیت علیهم السلام و ولایت آنان با عفت در قرآن

۱. عفت به معنای حالت در نفس است که مانع از غلیان شهوات می‌شود.^۱

۲. انسان در خلقت خود دارای قوای مختلفی از جمله عقل و شهوت است. اگر قوه عقلی بر شهوت غلبه کند، انسان عقیف و از ملائکه بالاتر می‌شود، و اگر شهوت بر عقل غلبه کند، انسان بدتر از حیوان می‌شود، چنان که خداوند در قرآن فرموده است: (إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا)^(۲).

۳. وَقَالَ تَعَالَى: (إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)^(۳)، یعنی اینکه اگر انسان از عقل خود پیروی کند و مطیع خداوند باشد و با هوای نفس خود مخالفت کند و با اولیای خدا به قول و عمل پیوند بخورد، حتی اگر این پیوند به قیمت فدای جان و مالش تمام شود، او عقیف خواهد بود و حق شکرگزاری خداوند را به جا آورده و وظیفه عبودیت خود را به درستی انجام داده و در نتیجه، مورد رضایت و قرب خداوند قرار خواهد گرفت و پاداش خواهد گرفت.

اما اگر انسان پیرو شهوات نفس خود باشد، که خداوند در وصف آن می‌فرماید: (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ)^(۴)، و با اولیای خدا مخالفت کرده و به دشمنان خدا و رسولش

۱. الرافد لألفاظ القرآن الکریم/ص ۷۳۳

۲. سوره فرقان/ ۴۴

۳. سوره انسان / ۳

۴. سوره یوسف / ۵۳



پیوند بخورد، در این صورت عفت را از دست خواهد داد و کافر به خداوند خواهد بود و در دنیا و آخرت زیان کار خواهد شد.

۴. می‌توانی واژه "عفت" را به جای "ترک شهوات نفس حرام" و "ترک پیروی از هوای نفس" قرار دهی. عفت معنای وسیعی دارد و به معنای پایبندی به تقوا است، زیرا این دو مفهوم در حقیقت دو روی یک سکه هستند. عفت همچنین به معنای داشتن حیا به‌طور مفرط و دوری از فحشا و منکرات در گفتار و کردار است، به‌ویژه در روابط بین دو جنس.

۵. عفت در معنای وسیع شامل عفت چشم، گوش، دست، زبان و فرج می‌شود و این معانی باید تحت ضابطه ورع و تقوی قرار گیرند.

۶. به دلیل اهمیت عفت، به‌ویژه در روابط میان جنسین، احادیث بسیاری وجود دارند که بر این موضوع تأکید دارند. در یکی از این احادیث از امام صادق ع در تعریف شیعیان و تمایز آنان از دیگران آمده است: (وما شیعتنا الا من عف بطنه وفرجه)^(۱) «شیعیان ما نیستند جز کسانی که شکم و شرمگاه خود را از حرام حفظ کنند.» این حدیث به‌شدت بر ارتباط میان ولایت اهل‌بیت ع و عفت تأکید می‌کند، به طوری که عفت هم نتیجه ولایت است و هم شرط آن.

۷. و دلیل تأکید بر موضوع عفت در این زمان، عدم پایبندی به آن و سهل‌انگاری در برقراری روابط مشکوک بین زن و مرد است که به اطاعت از شیطان و هواهای نفسانی و مخالفت با دستورات خداوند

۱. کافی ۹/۲۳۳/۲



منجر می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم به دفعات از چنین اعمالی هشدار داده است. همچنین، اهل بیت علیهم‌السلام نیز در بسیاری از احادیث از بی‌توجهی به عفت و پاکدامنی به شدت بر حذر داشته‌اند.

۸. خداوند متعال نسبت به سهل‌انگاری در مسئله عفت هشدار داده و عفت را در مقام والایی قرار داده است؛ به گونه‌ای که آن را هدف از ایجاد هستی و آفرینش انسان قرار داده و انسان را با عفت امتحان می‌کند. عفت در واقع همان تقوا و پرهیز از محرّمات الهی است. در بسیاری از آیات، از جمله داستان خلقت حضرت آدم علیه‌السلام و فرمان سجده به ابلیس، این آزمون‌ها به خوبی بیان شده است. ابلیس از اطاعت خداوند استکبار ورزید که نتیجه آن، رانده شدن و لعنت بر او بود. همچنین خداوند به آدم علیه‌السلام فرمان داد که از درخت مشخصی نخورد و او را با این دستور آزمود. اما ابلیس آدم را فریب داد و معصیت را در خوردن از آن درخت برای او زینت داد تا در نهایت سبب شود که عورت او و همسرش نمایان شود. این نمایان شدن عورت به معنای از دست دادن عفت آن‌ها از طریق معصیت بود.

درخت مذکور (درخت علم اهل بیت)^(۱) بود و طمع در علم و مقام اهل بیت باعث شد که شیطان آنان را به خوردن از آن وسوسه کند. بعد از این وسوسه، عورتی نمایان شد، یعنی عفت آن‌ها را از دست دادند. این نشان می‌دهد که کسی که از شیطان پیروی کرده و خداوند را معصیت کند، حیا و عفت خود را از دست می‌دهد. به همین ترتیب، کسی که مرتکب گناه شود، عفتش را از دست داده و

۱. تفسیر امام حسن عسکری ص ۲۲۱/بحار الانوار/ج ۱۱/ص ۱۸۹



از ولایت اهل بیت، محبت و یاری آن‌ها محروم خواهد شد. این ولایت و محبت از بزرگ‌ترین نعمت‌ها است و بهشت حقیقی و سعادت را برای انسان فراهم می‌آورد. این ارتباط تنگاتنگ بین عفت، پاکی از گناه، و مودت اهل بیت، جایگاه انسان را هم در دنیا و هم در آخرت بالا می‌برد.

۹. این آیات به‌وضوح بیان می‌کنند که چگونه خداوند به مسئله عفت و ارتباط آن با فرمانبرداری از دستورات الهی توجه داشته است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا) پس شیطان آن‌ها را وسوسه کرد تا عوراتشان را که از دید آن‌ها پنهان بود، نمایان کند (یعنی عفت آن‌ها را آشکار سازد). در آیه دیگری، خداوند به وسوسه و فریبکاری شیطان برای حضرت آدم و همسرش اشاره می‌کند و می‌فرماید که شیطان به آن‌ها گفت: (مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکَیْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِیْنَ)^(۱) پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرده مگر به این دلیل که شما فرشته شوید یا از جاودانگان گردید.

در اینجا منظور از "درخت" طبق احادیث و روایات، مقام محمد و آل محمد علیهم‌السلام و علم آنان است. آنچه بعد از این اتفاق رخ داد، آشکار شدن عورت (عفت) حضرت آدم و همسرش بود و این معصیت باعث شد که آنان عفت خود را از دست بدهند.

۱. سوره اعراف/۲۰۰



۱۰. خداوند می‌فرماید: (فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى ءَادَمُ رَبَّهُ فَغَوَى) ^(۱) نگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود. و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت.

۱۱. و خداوند می‌فرماید: (فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ) پس شیطان آنها را از آن گمراه کرد و از آنچه در آن بودند خارج کرد و گفتیم: همه شما به پایین فرود آیید، برخی از شما دشمنان برخی دیگر هستند و برای شما در زمین اقامتگاه و متاعی تا زمانی معین است... و معنای آن این است که از دست دادن عفت و نافرمانی از خداوند متعال به عداوت و کینه و سقوط و زیان منجر می‌شود، اما عفت و اطاعت از خدا و محبت به اولیای خدا و دشمنی با دشمنان خدا به خوشبختی و الفت و محبت منجر می‌شود... و این را در خانواده‌های ایمانی با عفت و حیا و ادب و مکارم اخلاق مشاهده می‌کنید... اما در خانواده‌هایی که اعضای آن عفت را رعایت نمی‌کنند... خیانت‌های زناشویی و جدا شدن و آوارگی فرزندان و اختلاف و عدم ثبات و بیماری‌های روانی و جسمی و عداوت و کینه‌ها را می‌بینید؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: (وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ

۱. سوره طه/ ۱۲۱



مَوَدَّةً وَرَحْمَةً^(۱) و از نشانه‌های او این است که برای شما از خودتان همسرانی خلق کرد تا با آنها آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد.

۱۲. و در آیه‌ای دیگر، زوال عفت به دلیل اطاعت از شیطان و نافرمانی از خدا و پس از هشدار خداوند از عداوت او بیان شده است؛ چنانکه می‌فرماید: (فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتُ لَهُمَا سَوَائِهِمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ)^(۲) پس آنها را با فریب گمراه کرد، و وقتی از درخت چشیدند، عورات خود بر آنان نمایان شد و آنها شروع به پوشاندن (عورات خود) با برگ‌های بهشت کردند و پروردگارش آنها را ندا داد: آیا شما را از آن درخت نهی نکردم و به شما نگفتم که شیطان برای شما دشمنی آشکار است؟

۱۳. و خداوند می‌فرماید: (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ)^(۳) به راستی شیطان برای شما دشمن است، پس او را دشمن خود بگیرید، او فقط حزبش را دعوت می‌کند تا از اهل آتش شوند. و حزب او کسانی هستند که عفت و تقوی را رها کرده و از شهوات نفس پیروی می‌کنند و ولایت اهل بیت را از دست می‌دهند، زیرا ولایت آنها جز با تقوی و عفت حاصل نمی‌شود.

۱. سوره روم/ ۲۱

۲. سوره اعراف/ ۲۲

۳. سوره فاطر/ ۶



۱۴. و در آیه‌ای دیگر، هدف الهی از آفرینش موجودات را عبادت بیان می‌کند؛ چنانکه می‌فرماید: (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)^(۱) و جن و انس را جز برای عبادت نافریدم. و عبادت جز با تقوی و عفت و ورع از محارم خدا تحقق نخواهد یافت و جز با علم و معرفت و انفاق در راه خدا تحقق نمی‌یابد؛ چنانکه خداوند می‌فرماید، و اهمیت عفت را در تحقق عبودیت خداوند متعال بیان می‌کند: (يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ)^(۲) ای فرزندان آدم! مبدا شیطان شما را به فریب وادارد، چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت خارج کرد و لباسشان را از آنها بر کند (یعنی دعوتشان به ترک عفت کرد) تا عوراتشان را به آنها نشان دهد، به‌راستی او و حزبش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید، به‌راستی ما شیطان‌ها را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان ندارند.

۱۵. و خداوند متعال بیان می‌کند که عفت به معنای تقوی و ورع از محارم خداوند است؛ آنجا که تقوی را به لباسی تشبیه می‌کند که عورات انسان را می‌پوشاند و او را زینت می‌دهد و عفت و ستر او را حفظ می‌کند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: (يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِن

۱. سوره ذاریات ۵۶/

۲. سوره اعراف/۲۷



ءَايَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ^۱ ای فرزندان آدم! ما بر شما لباسی نازل کردیم که عورات شما را می پوشاند و زینت است، و لباس تقوی بهترین است؛ این از نشانه های خداست، باشد که متذکر شوید.

۱۶. و وجه دیگری از دلایل استکبار ابلیس از سجود به آدم و نافرمانی او از خداوند متعال تأکید بر معانی بیان شده است؛ با اینکه او سال ها به عبادت خداوند مشغول بوده است، حسد و استکبار او نسبت به ولایت اهل بیت و محبت آنان بود. ابلیس مقام آنان و نزدیکی شان به خداوند را می دانست؛ زیرا آنان انوار الهی بودند که در اطراف عرش خداوند تسبیح می کردند و او می دانست که این انوار در صلب آدم وجود دارند و پس از او از اصلاب پاک به ارحام مطهر منتقل می شوند تا زمانی که خداوند متعال اجازه تولد و خلافت آنان بر زمین و آنچه بر آن است را بدهد... و خداوند متعال خواست ابلیس را امتحان کند و اخلاص او را در ساحت عبودیت الهی آزمایش کند، هنگامی که از او خواست تا به آدم سجده کند... و تسلیم و ولایت و اقرار به محمد و اهل بیت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بپذیرد... بنابراین خداوند او را لعنت کرد و از درگاه خود طرد نمود و عبادت او را نپذیرفت، زیرا ولایت محمد و اهل بیت شرط پذیرش عبادت و اطاعت از تمام مخلوقات جن و انس است... چنانکه در زیارت جامعه کبیره از امام علی النقی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «به واسطه شما طاعت قبول می شود و محبت شما واجب است، کسی که از شما پیروی

۱. سوره اعراف / ۲۶



کند به بهشت خواهد رفت و کسی که با شما مخالفت کند به آتش خواهد رفت...»

۱۷. و در آیه‌ای دیگر، داستان ابلیس و چگونگی تمرد او از ولایت اهل بیت به خاطر استکبار و حسد بیان شده است؛ چنانکه می‌فرماید: (فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ) تمامی فرشتگان سجده کردند، مگر ابلیس که استکبار ورزید و از کافران شد... خداوند به او گفت: (قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ) ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از برتری جوئی؟ (که آنها محمد و اهل بیت هستند) طبق آنچه در مضمون تفسیر از پیامبر ﷺ آمده است^(۱)... ابلیس گفت: (قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ)^(۲) من از او بهترم، مرا از آتش آفریدی و او را از گل.» خداوند فرمود: «از اینجا خارج شو، تو رانده‌شده‌ای و لعنت بر تو تا روز قیامت است.» ابلیس گفت: «پروردگارا! مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت بده.» خداوند فرمود: «به‌راستی تو از

۱. بحار الانوار ج ۱۱/ص ۱۴۲

۲. سوره اعراف ۱۲



مهلت یافتگان هستی تا روز مقرر.» ابلیس گفت: «پروردگارا! به خاطر آنکه مرا به گمراهی انداختی، من برای آنها در زمین زینت می‌زنم و همه را گمراه می‌کنم، جز بندگان مخلصت.»... یعنی کسانی که با صدق از اهل بیت پیروی و اطاعت می‌کنند.

۱۸. و همه حقارت ابلیس و حسد و تکبر او در آن امتحان الهی بروز کرد و او مواضع خصمانه ظالمانه‌ای را بیان کرد که نشان‌دهنده کینه و روح ناپاک و سرسختی و نفاق او بود؛ آنگاه که به خداوند گفت: (قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَا يَنبَغِي لَهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ)^(۱) پروردگارا! مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت بده.» خداوند به او فرمود: «به‌راستی تو از مهلت‌یافتگان هستی.» ابلیس گفت: «به‌خاطر آنکه مرا به گمراهی انداختی، من بر سر راه راست آنان نشسته و در برابر آنان می‌ایستم و از پیش و پس و از طرف راست و چپ به آنها نزدیک می‌شوم و نخواهی یافت که اکثر آنان شکرگزار باشند.» و خداوند به او فرمود: (قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ)^(۲) از اینجا خارج شو، در مذمت و مطرود، و هر کس از آنان از تو پیروی کند، جهنم را از شما همگی پر می‌کنم.

۱. سوره اعراف/۱۶

۲. سوره اعراف/۱۸



۱۹. وقتی ابلیس این عبارات را گفت که محتوای آن به اغوای مردم و گمراه کردن آنان برای دور کردن آنها از عفت به اشکال مختلف (از دست و پا و زبان و دیگر اعضا) مربوط می‌شود... و همچنین برای دور کردن آنها از ولایت اهل بیت... و این را از جمله‌ی او می‌توان دریافت: (قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَفْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ)^(۱).. (قَالَ رَبِّ بِمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَزْبِنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيْتَهُمْ أَجْمَعِينَ)^(۲) «به‌خاطر آنکه مرا به گمراهی انداختی، من بر سر راه راست آنان نشسته و در برابر آنان می‌ایستم»... «پروردگارا! به‌خاطر آنکه مرا به گمراهی انداختی، من برای آنها در زمین زینت می‌زنم و همه را گمراه می‌کنم»... و راه راست همان محمد و اهل بیت عليهم السلام است، چنانکه احادیث و روایات روشن می‌سازند^(۳).

۲۰. بی‌گمان خداوند متعال بندگانش را به حال خود رها نکرده است تا تحت رحمت شیطان و دشمنی او و تحت رحمت نفس اماره به سوی بدی‌ها قرار بگیرند... بلکه پیامبران صادق را برای نجات آنان از فتنه‌ها و گمراهی‌ها فرستاد... و نقشه‌های شیطان را ناکام گذاشت تا از آن طریق به کنترل نفس اماره به سوی بدی و هدایت آنان به سمت عفت و طهارت و ولایت صالحان، محمد و اهل بیت طیب و طاهر بپردازند، چنان‌که خداوند فرمود: (قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

۱. سوره اعراف / ۱۶

۲. سوره حجر / ۳۹

۳. بحار الانوار / ج ۶۰ / ص ۲۲۰



يَحْزَنُونَ^(۱)... و فرمود: (يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)^(۲)... و فرمود: (قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشِقُ)^(۳) (گفتیم: همگی از آنجا فرود آید، پس اگر هدایت از من به سوی شما بیاید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین خواهند شد) ... و خداوند فرمود: (يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ)^(۴) ای فرزندان آدم! اگر رسولانی از خود شما به سویتان بیایند که آیات مرا برایتان تلاوت کنند، هر کس تقوا پیشه کند و اصلاح کند، نه ترسی بر آنان است و نه غمگین خواهند شد ... و خداوند فرمود: (قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشِقُ)^(۵) گفت: همگی از آنجا فرود آید، برخی از شما دشمن یکدیگرند، پس اگر هدایت از من به سوی شما بیاید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه به زحمت می‌افتد.

۲۱. محبت اهل بیت و ولایت آنان عمل بزرگی است که تنها به کسانی توفیق داده می‌شود که خداوند قلبشان را برای ایمان، تقوا و

۱. سوره بقره/۳۸

۲. سوره اعراف/۳۵

۳. سوره طه/۱۲۳

۴. سوره اعراف/۳۵

۵. سوره طه/۱۲۳



عفت آزمایش کرده باشد و آنان در روز قیامت با پیامبران، صدیقین و شهدا محشور خواهند شد، چنان که خداوند فرمود: (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)^(۱) و هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند، با کسانی خواهد بود که خداوند بر آنان نعمت داده است از پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان و اینان رفیقانی نیکو هستند. و خداوند ویژگی‌های اطاعت‌کنندگان را تبیین می‌کند، وقتی که آنان را به چیزهایی که در آن خیرشان است دعوت می‌کند و از آنچه به آنان ضرر می‌زند، نهی می‌کند تا در دنیا و آخرت خوشبخت زندگی کنند او می‌فرماید: (الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)^(۲) کسانی که از پیامبر، نبی امی پیروی می‌کنند، که او را در تورات و انجیل نوشته یافته‌اند، آنان را به معروف فرمان می‌دهد و از منکر نهی می‌کند و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام می‌سازد و بارها و زنجیرهایی را که بر آنان بود، از دوششان برمی‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آورده و او را یاری کرده و نور را که با او نازل شده پیروی کرده‌اند، آنان رستگارانند.

۱. سوره نساء/۶۹

۲. سوره اعراف/۱۵۷



۲۲. اما کسانی که ولایت اهل بیت را رد کردند، به ولایت شیطان گرفتار خواهند شد که آنان را به گناهان و کبائر و ترک حیا و عفت می‌کشاند... و در نتیجه، آنان را به جهنم خواهد برد که بدترین سرنوشت است، چنان‌که خداوند در مورد آنان فرمود: (فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ)^(۱) گروهی را هدایت کرد و گروهی بر ایشان ضلالت ثابت شد، بی‌تردید آنان شیطان‌ها را به‌جای خداوند دوستان خود قرار دادند و گمان کردند که هدایت یافته‌اند) و خداوند فرمود: (وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)^(۲) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از آن‌ها تکبر ورزیدند، آنان اصحاب آتش هستند و در آنجا جاودانه خواهند ماند.

۲۳. طهارت روحی و قلبی و طهارت اعمال و پیروی از راه عفت، تنها از طریق پیروی از محمد و اهل بیتش امکان‌پذیر است، زیرا آنان اهل عفت هستند... و آیات دیگر بسیاری بر عفت دلالت می‌کند، زمانی که خداوند متعال زنان را به حجاب و غض بصر و مردان را نیز به عفت و غض بصر امر فرمود، چنان‌که خداوند فرمود: (وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ

۱. سوره اعراف/۳۰

۲. سوره اعراف/۳۶



أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطَّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^(۱) و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش فرو اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که از زن بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورتهای زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

۲۴. خداوند در آیه‌ای دیگر اهمیت حجاب را در پوشش زن و حفاظت ایمان و عملش از بطلان بیان می‌کند... و او را از آسیب روحی و جسمی از جانب انسان‌های ضعیف النفس و ضعیف الوجدان در امان می‌دارد، چنان که فرمود: (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَرْوَاكِ وَبِنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)^(۲) ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلابیب خود را به خود نزدیک کنند،

۱. سوره نور/ ۳۱

۲. سوره احزاب/ ۵۹



این کار برای آنکه شناخته شوند و آزار نبینند، نزدیک‌تر است و خداوند آمرزنده و رحیم است.

۲۵. و در آیه‌ای دیگر، فایده حجاب را برای هر دو جنس، مرد و زن در افزایش ایمان، طهارت قلب، توفیق در عمل صالح و حفاظت از فساد، انحراف و گمراهی بیان می‌کند... چنان که خداوند فرمود: (وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ)^(۱) و وقتی از آنان متاعی می‌طلبید، از پشت حجاب بپرسید، این برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاک‌تر است ... و در این نیز، از جامعه و افراد آن در برابر ارتکاب فحشا و زنا و تبعات ناشی از آن، از جمله فرزندان نامشروع و افزایش خیانت‌های زناشویی و حوادث طلاق و بی‌سرپرستی فرزندان و بیماری‌های روانی و جسمی... و نازل شدن عذاب از آسمان به‌خاطر آن گناهان و معاصی حفاظت می‌شوند.

۲۶. به‌خاطر اهمیت عفت و نقش آن در تقویت ولایت اهل‌بیت و توفیق در عمل صالح هنگام بلوغ و بزرگسالی... قرآن بر آن است که کودکان را قبل از رسیدن به سن بلوغ در داخل خانواده و با والدین و برادران و خواهران و نزدیکان به عفت عادت دهید... به‌طوری که هنگام ورود به اتاق‌ها، ادب را رعایت کنند تا از نگاه‌های گذرا به بدن‌ها در زمان استراحت و خواب در صبح، ظهر و شب محافظت شوند... و بر کسی که در اتاق می‌خوابد، ممکن است در وضع غیرمناسبی باشد و اندامش در لباس خواب نمایان شود، آنگاه فرمود:

۱. سوره احزاب/۵۳



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ أَذْنُكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا
الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ
مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ أَي وَضِع
جنسی غیر لائق فيه اظهار للعوامه لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ
بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
الآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید قطعاً باید
غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به بلوغ نرسیده اند سه بار
در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند پیش از نماز بامداد و نیمروز
که جامه های خود را بیرون می آورید و پس از نماز شامگاهان این
سه هنگام برهنگی شماست نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که
غیر از این سه هنگام گرد یکدیگر بچرخید و با هم معاشرت نمایید
خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می کند و خدا دانای
سنجیده کار است.

۲۷. در آیه ای دیگر، خطر ایجاد رابطه غیرشرعی بین زن و مرد از
جمله گفت و گوهای عاطفی و نگاه های حرام را بر ایمان و اعمال
صالح بیان می کند و اینکه این امر به بطلان آن و عدم قبول عمل
می انجامد و این همان خسران مبین است؛ چنانکه خداوند فرمود:
(الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ
وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ
مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ

۱. سوره نور/ ۵۸



فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^(۱) امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و [بر شما حلال است از دواج با] زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شک کند قطعاً عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است. یعنی بین عفت و ایمان و ولایت اهل بیت رابطه‌ای محکم وجود دارد، پس بدون ولایت اهل بیت نه عفتی هست و نه ایمانی و برعکس.

۲۸. و خداوند عفت و حفظ فرج از فجور و روابط حرام را ستایش کرده و فرمود: (وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ)^(۲) و مردان و زنان پاکدامن. و فرمود: (وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ)^(۳) و کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، مگر بر همسران خود یا کنیزانشان که در این صورت مورد نکوهش نیستند.

۲۹. در آیه‌ای دیگر، خداوند به‌صراحت به عفت دعوت می‌کند به دلیل اهمیت بالای آن در حفظ ایمان انسان و جامعه از فساد و انحراف ... و همچنین اهمیت آن در توفیق برای ولایت اهل بیت و عمل صالح؛ چنانکه فرمود: (وَلَيْسَتَعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ

۱. سوره مائده/ ۵.

۲. سوره احزاب/ ۳۵.

۳. سوره مومنون/ ۵، ۶.



يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرَهُوا فَتْيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لَتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ^(۱) و کسانی که وسیله زناشویی نمی یابند باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی نیاز گرداند و از میان غلامانتان کسانی که در صدند با قرارداد کتبی خود را آزاد کنند اگر در آنان خیری و توانایی پرداخت مال می یابید قرار باز خرید آنها را بنویسید و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید و کنیزان خود را در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویند به زنا وادار مکنید و هر کس آنان را به زور وادار کند در حقیقت خدا پس از اجبار نمودن ایشان نسبت به آنها آمرزنده مهربان است.

۳۰. و خداوند اهل بیت علیهم السلام را ستایش کرده و آنان را به خاطر اخلاص و عفتشان طاهر دانسته است؛ چنانکه فرمود: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)^(۲) خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.... و ما به دوستی و پیروی از آنان افتخار می کنیم و خداوند کلید آن ولایت را در وصایای تأکید بر عفت قرار داده است ... چنانکه در همان آیه و در مقدمه اش برای شرط ولایت اهل بیت فرمود: (وَقُرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ

۱. سوره نور/ ۳۳

۲. سوره احزاب/ ۳۳



الصَّلَاةَ وَءَاتَيْنَ الزَّكَاةَ وَأَطَعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ) و در خانه‌های خود بمانید و مانند جاهلیت نخستین خود را زینت نکنید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از خدا و رسولش اطاعت کنید. و تمامی این‌ها عفت معنوی بالایی است و سپس آیه طهارت را ذکر کرد ... پس وفای به ولایت تنها با التزام به این شروط تحقق می‌یابد.

۳۱. و اهمیت عفت در استقامت انسان و جلب رضایت خداوند و حفاظت از فرد و خانواده و جامعه ... خداوند به زنان سالخورده که ازدواج نکرده‌اند و در سن ازدواج نیستند، وصیت کرده است که عفت ورزند؛ چنانکه فرمود: (وَأَلْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)^(۱) و برای زنان سالخورده‌ای که دیگر امید ازدواج ندارند، گناهی نیست که لباس خود را بدون تبرج به زینت بیفکنند و اگر عفت ورزند، برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست.

۳۲. همچنین خداوند انسان نیازمند به ازدواج که همسر مناسبی نمی‌یابد را نیز به عفت توصیه کرده و خداوند او را عذر نمی‌پذیرد اگر از عفت دور شود؛ چنانکه فرمود: (وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)^(۲) و کسانی که نتوانند ازدواج کنند، باید عفت ورزند تا خداوند آنها را از فضل خود غنی کند ...

۱. سوره نساء/۶۰

۲. سوره نور/۳۳



زیرا عفت و جلب رضایت خداوند درهای رزق را می‌گشاید و خداوند همسر صالحی به آنان عطا می‌کند.

۳۳. زنان بهشتی از حوریان به عنوان جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند، توصیف شده‌اند ... یعنی فقط عقیف‌ها وارد بهشت می‌شوند و از حورالعین می‌گردند ... زیرا آنان به غض بصر و عفت توصیف شده‌اند؛ چنانکه فرمود: (وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ)^(۱) و نزد آنها همسرانی زیبا چشم است که جز به شوهران خود عشق نمی‌ورزند. و فرمود: (حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ)^(۲) حوریانی که در منزلگاه خود مستورند.

۳۴. و حدیث مهمی وجود دارد که رابطه نزدیک بین ولایت اهل بیت و عفت را توضیح می‌دهد ... چنانکه رسول الله ﷺ به علی عَلِيٌّ فرمود: (یا علی لا یحبک الا مؤمن ولا یبغضک الا منافق او ولد زنیه او حملته أمه وهی طامث)^(۳) ای علی، جز مؤمن تو را دوست نمی‌دارد و جز منافق یا فرزند زنا، تو را دشمن نمی‌دارد یا او را در حال قاعدگی به دنیا آورده‌اند.

۳۵. کسی که اهل بیت را دوست داشته و از آنان پیروی کند، باید به راستی خداوند را شکر کرده و به امانت و حق عبودیت خداوند وفا کرده است ... چنانکه خداوند در کتابش درباره کسانی که در وصیت پیامبر با علی عَلِيٌّ ثابت قدم بودند و به عقب برنگشتند، فرمود: (وَمَا

۱. سوره صافات/۴۸

۲. سوره رحمان/۷۲

۳. علل الشرائع/ج ۱/ص ۱۴۵



مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ^(۱) محمد، تنها فرستاده خداست؛ قبل از او نیز فرستادگانی بودند که از دنیا رفتند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود باید شما به عقب برگردید؟! و هر که به عقب برگردد ضرری به خدا نمی‌زند و خدا شاکران را به زودی پاداش خواهد داد.

۳۶. شیطان همواره سعی دارد انسان را از شکر خداوند به خاطر نعمت‌های بی‌شمارش مشغول کند ... و در عبادت او کوتاهی کند، از طریق برانگیختن شهوات و غرایز او در معصیت خدا و دور کردن او از ولایت اهل بیت که صراط مستقیم هستند، وعده داده است که آنان را گمراه کند و فریب دهد؛ چنانکه خداوند در کتابش فرمود:

(قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ)^(۲) گفت: به خاطر آنکه مرا گمراه کردی، من هم برای گمراه کردن آنها سر راه مستقیم تو می‌نشینم آنگاه از جلو رویشان و از پشت سرشان و از سمت راست و سمت چپ به آنها می‌تازم و بیشتر آنها را شاکر نخواهی یافت. و اینکه غض بصر و عفت به انسان در شکر خداوند و ولایت اولیای خدا کمک می‌کند ... چنانکه از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده: (لیس فی البدن شیء اقل شکرًا من العین فلا

۱. سوره آل عمران/ ۱۴۴

۲. سوره اعراف/ ۱۶ و ۱۷



تعلوها سؤلها فتشغلکم عن ذکر الله عز وجل(۱) (در بدن چیزی کمتر از چشم شکرگزار نیست، پس به خواسته‌اش بها ندهید چراکه شما را از ذکر خدا دور می کند).



ارتباط عفت با ولایت اهل بیت علیهم السلام در روایات

۱. به دلیل اهمیت عفت در رشد و اصلاح فرد، خداوند آن را دوست دارد و صاحب آن را نیز دوست دارد. هر که را خداوند دوست بدارد، جایگاه رحمت، توفیق و عنایت او می‌شود و پیرو اولیای او خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: (ان الله يحب الحيي المتعفف ويبغض البذيئ السائل الملحف)^(۱) همانا خداوند حیاکار و پاکدامن را دوست دارد و از کسی که فحش می‌دهد و درخواست‌های مکرر و زشت دارد، بیزار است. همچنین فرمودند: (احب العفاف الى الله تعالى عفاف البطن والفرج)^(۲) محبوب‌ترین عفاف نزد خداوند، عفاف شکم و عورت است.

۲. به همین دلیل، رسول خدا صلی الله علیه و آله از خداوند درخواست می‌کرد و می‌گفت: (اللهم انی اسألك الهدی والتقی والعفاف والغنی)^(۳) بارالها، از تو هدایت، تقوا، عفت و بی‌نیازی می‌طلبم.

۳. بی‌عفتی، عقوبتی فوری در دنیا پیش از آخرت دارد زیرا همان‌طور که گفته می‌شود هرچه بکاری برداشت می‌کنی یا هر چه کنی به خود کنی. در مضمون داستانی آمده که مردی تلاش می‌کرد زنی را به زور مسلط شود، زن به او گفت که از مجازات خداوند بترس، ناموس تو به خطر خواهد افتاد. مرد رفت و دید که

۱. امالی طوسی ۴۳/۳۹/

۲. تنبیه الخواطر ۳۰/۲۰/

۳. سنن ترمذی ۵۲۲/۵/



این واقعیت دارد اتفاق افتاد، و نزد حضرت داوود علیه السلام شکایت کرد. خداوند به داوود وحی کرد که به او بگو (کما تدین تدان) هر چه بکاری برداشت می کنی یا هر چه کنی به خود کنی. امام صادق علیه السلام فرمود: (عَفْوًا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ يَعْفُ نِسَاؤُكُمْ)^(۱) از زنان مردم بگذرید تا از زنان شما بگذرند.

۴. به همین دلیل، اهل بیت بر اهمیت عفت تأکید کردند زیرا این بالاترین درجه عبادت برای کسی است که به آن متصف باشد و اساس عبادت، ولایت اهل بیت و پیروی از وصایای آنها و دشمنی با دشمنان آنهاست. امام علی علیه السلام فرمود: (افضل العبادۃ العفاف)^(۲) بهترین عبادت، عفت است. همچنین فرمود: (اعینونی بورع واجتهاد وعفه وسداد)^(۳) مرا با تقوا، تلاش، عفت و استقامت یاری کنید. امام باقر علیه السلام فرمود: (ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن وفرج)^(۴) خداوند با چیزی بهتر از عفت شکم و عورت عبادت نشده است. امام علی علیه السلام فرمود: (اذا اراد الله بعبد خيراً عف بطنه وفرجه)^(۵) اگر خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، شکم و عورتش را عقیف می گرداند.

۵. اهل بیت، به دلیل اهمیت و قداست عفت، جایگاه آن را تا حدی بالا برده‌اند که آن را برتر از شهادت در راه خدا و حتی از درجه

۱. خصال/۵۵/۷۵

۲. کافی/۲/۳۷۹

۳. نهج البلاغه/نامه/۴۵

۴. کافی/۲/۱۷۹

۵. غرر الحکم



فرشتگان می دانند. امام علی علیه السلام فرمود: (ما المجاهد الشهيد فی سبیل الله بأعظم أجراً ممن قدر فجع لكاد العفیف ان یكون ملكاً من الملائكة)^(۱) مجاهد شهید در راه خدا اجرش از کسی که توان داشت و عفیف ماند، بیشتر نیست. نزدیک است که عفیف به فرشته‌ای از فرشتگان تبدیل شود. امام باقر علیه السلام فرمود: (وای جهاد افضل من عفة بطن وفرج)^(۲) چه جهادی افضل از عفت شکم و عورت است. یعنی جز حلال زناشویی نکند و جز حلال چیزی نخورد.

۶. وصف عفت در سخنان امام علی علیه السلام بی نظیر است، زیرا عفت، نفس را از امور زشت و ناپسند محافظت می کند و به صاحبش عقل، حکمت، فضائل اخلاقی و ولایت اهل بیت می بخشد. امام علی علیه السلام فرمود: (العفاف یصون النفس وینزها عن الدنایا) عفت نفس را حفظ می کند و آن را از پستی‌ها باز می دارد. «عفت، خصلت عاقلان است.» «حرص، خصلت پلیدان است.» «عفت، سرآغاز هر خیر است.» «عفاف، زهد است.» «عفاف، شریف ترین چیزهاست.» «زکات زیبایی، عفت است.»^(۳) امام صادق علیه السلام فرمود: (ماشیعتنا الا من عف بطنه و فرجه)^(۴) شیعیان ما نیستند مگر آنانکه شکم و عورت خود را عفیف نگه دارند.

۱. نهج البلاغه/حکمت/۴۷۴

۲. محاسن/۱/۴۵۵

۳. غرر الحکم

۴. کافی/۲/۲۳۳/۹



۷. به دلیل اهمیت عفت، کسی که در آن کوتاهی کند، در ولایت اهل بیت کوتاهی کرده و از اهل آتش خواهد بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «بیشترین چیزی که امت من را به جهنم می‌برد، شکم و عورت است.»^(۱)

۸. رسول خدا ﷺ از این نگران بود که امت او بعد از او در اموری مانند عفت کوتاهی کنند. ایشان فرمودند: (ثلاث أخافهن علی امتی من بعدی الضلالة بعد المعرفة... ومضلات الفتن وشهوه البطن والفرج)^(۲) سه چیز است که من بعد از خود برای امتم از آنها می‌ترسم: گمراهی پس از شناخت،... فتنه‌های گمراه‌کننده و شهوت شکم و عورت.

۹. به دلیل اهمیت عفت موسی عليه السلام و عفت دختر شعیب، خداوند مقام آنان را بالا برد و موسی عليه السلام پذیرفت که به مدت ده سال اجیر شود. رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا موسی عليه السلام خود را هشت یا ده سال اجیر کرد تا عفت فرج و غذای شکمش را حفظ کند.»^(۳)

۱۰. صفاتی وجود دارد که به عفت کمک می‌کند، از جمله قناعت، که صاحب آن را به سعادت، رضایت و کاهش غم‌ها می‌رساند. امام علی عليه السلام فرمود: «اصل عفت، قناعت است و نتیجه آن کاهش غم‌هاست.»^(۴) همچنین فرمود: (من قنعت نفسه اعانته علی النزاهة

۱. کافی/۵/۷۹/۲

۲. کافی/۶/۷۹/۲

۳. شتی ابن ماجه/ج۲/۸۱۷/۲/۲۴۴۴

۴. مطالب السؤل/۵۰/



والعفاف^(۱) هر که نفسش قانع باشد، او را بر پاکی و عفت یاری می‌کند.

۱۱. از دیگر صفاتی که به عفت کمک می‌کند (صبر) است، چنانکه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «صبر بر شهوت، عفت است.»^(۲) از این رو خداوند به صابران کرامت و پاداشش را وعده داده است، چنان که فرمود: (إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ)^(۳) همانا صابران پاداش خود را بی حساب دریافت می‌کنند.

۱۲. از جمله ثمرات عفت و نتایج معنوی آن (تضعیف شهوت - قناعت - حفظ و مراقبت - کفاره گناهان - افزایش حسنات - علو مقام نزد خداوند - زکات اعمال - عزت و رفعت در دنیا و آخرت) است، چنان که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «عفت شهوت را تضعیف می‌کند»، «ثمره عفت، قناعت است»، «ثمره عفت، حفظ و مراقبت است»، «هر که عفت ورزد، بار گناهش سبک و قدرش نزد خدا بزرگ می‌شود»، «هر که اعضایش عقیف باشد، اوصافش نیکو می‌شود»، «به وسیله عفت، اعمال پاک می‌شود»، «کسی که از عفت و قناعت را بهره برد، عزت او را همراهی می‌کند.»

۱۳. برکات و ثمرات معنوی دیگری نیز از عفت منشعب می‌شود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: اما عفت از آن رضا، تسلیم، توفیق، آسایش، توجه، خشوع، یادآوری، تفکر، سخاوت و جود منشعب

۱. غرر الحکم / ۸۶۶۳

۲. غرر الحکم / ۱۹۳۷

۳. سوره زمر / ۱۰



می‌شود، و این همان چیزی است که برای انسان عاقل از عفت او حاصل می‌شود: «رضایت به خدا و قسمت او.»^(۱)

۱۴. علی عَلَيْهِ السَّلَام در وصیت خود به محمد بن ابی‌بکر هنگامی که او را به ولایت مصر منصوب کرد، فرمود: ... (یا محمد بن ابی بکر اعلم ان افضل العفة الورع فی دین الله والعمل بطاعته وانی اوصیک بتقوی الله فی امر سرک و علانیتک)^(۲) ای محمد بن ابی‌بکر، بدان که بهترین عفت، پرهیزگاری در دین خدا و عمل به طاعت اوست، و من تو را به تقوای الهی در امور پنهان و آشکار تو سفارش می‌کنم.

۱۵. ترک‌کننده عفت در آتش جهنم عذاب می‌بیند، چنان که روایت شده رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در معراج خود زنانی از امت خود را در عذاب شدیدی در آتش جهنم مشاهده کرد که علت آن عدم عفت آنها بود. حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام علت این عذاب را پرسید و ایشان فرمود: «اما زنی که از مویش آویزان بود، آن کسی بود که موی خود را از مردان نمی‌پوشاند. زنی که از زبانش آویزان بود، کسی بود که به شوهرش آزار می‌رساند. زنی که از سینه‌هایش آویزان بود، کسی بود که بدون اجازه شوهر به فرزندان دیگران شیر می‌داد. زنی که از پایش آویزان بود، آن بود که بدون اجازه شوهر از خانه خارج می‌شد. زنی که گوشت بدن خود را می‌خورد، کسی بود که بدن خود را برای دیگران زینت می‌کرد. زنی که دستش را به پایش بسته بود و بر او مارها و عقرب‌ها مسلط شده بودند، کسی بود که در وضو و لباس خود

۱. تحف العقول ۱۷/

۲. بحار الانوار/۷۷/۱۱/۳۹۰



کثیف بود و از جنابت و حیض غسل نمی‌کرد و به نماز بی‌توجهی می‌کرد. زنی که کور، کر و لال بود، آن بود که از زنا باردار می‌شد و آن را به گردن شوهر خود می‌انداخت. زنی که گوشت خود را می‌خورد، کسی بود که خود را به مردان عرضه می‌کرد. زنی که صورت و بدنش می‌سوخت و روده‌هایش را می‌کشید، آن بود که واسطه‌گر زنا بین مردان و زنان بود. زنی که سرش مثل سر خوک و بدنش بدن خر بود، کسی بود که تمام و دروغگو بود.» سپس فرمود: «وای بر زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد.»^(۱)

۱۶. امام مهدی (عج) در دعای خود بندهایی را ذکر کرده که همگی دعوت به عفت دارند، به ویژه زمانی که می‌فرماید: «و به زنان حياء و عفت عطا فرما.» همچنین همه دعا‌های اهل بیت علیهم‌السلام نیز شامل درخواست عفت است، چنان که در این دعا آمده است: (اللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النَّيِّةِ، وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، ... بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ)^۲ خدایا توفیق اطاعت، دوری از گناه، صدق نیت، و معرفت حرمت را روزی و رزق ما گردان، و ما را به هدایت و استقامت کرامت ده و زبان‌های ما را به حق و حکمت استوار ساز و دل‌های ما را از علم و معرفت پر کن و شکم‌های ما را از حرام و شبهه پاک گردان و دستان ما را از ظلم و دزدی بازدار و

۱. وسائل الشیعه/ج ۱۴

۲. مفاتیح الجنان/ص ۱۳۳



چشم‌های ما را از فحشاء و خیانت فرو بند و گوش‌های ما را از لغو و غیبت بازدار. بر علمای ما زهد و نصیحت، و بر دانشجویان تلاش و رغبت، و بر شنوندگان پیروی و پند، و بر بیماران مسلمانان شفا و آسایش، و بر مردگانشان رأفت و رحمت، و بر بزرگانمان وقار و آرامش، و بر جوانانمان توبه و بازگشت، و بر زنانمان حیاء و عفت، و بر ثروتمندان تواضع و سخاوت، و بر فقرا صبر و قناعت، و بر رزمندگان نصرت و پیروزی، و بر اسرا رهایی و آسایش، و بر فرمانروایان عدالت و شفقت، و بر رعیت انصاف و حسن سلوک را عطا فرما. برای حاجیان و زائران در زاد و توشه‌شان برکت قرار ده و آنچه از حج و عمره بر آنان واجب کرده‌ای، با فضل و رحمت خود ادا کن، ای بخشنده‌ترین بخشاینده‌گان!

غض بصر کلید عفت و ولایت

۱. غض بصر کلید عفت و ولایت است. عفت اهمیت زیادی در صلاح انسان دارد و این اهمیت به هر راهی که به عفت منجر شود، منتقل می‌شود، از جمله غض بصر. این صفات و خصال نیز در تحقق ولایت اهل بیت مهم هستند و حتی شرطی از شروط آن به حساب می‌آیند. اهل بیت علیهم‌السلام بر غض بصر تأکید زیادی کرده‌اند و بر مسئولیت انسان مؤمن در مراقبت از نگاه‌های خود و قرار دادن آن در مسیر رضای خداوند، تا مرد به زن با شهوت نگاه نکند و زن به مرد با شهوت و سوءظن نگاه نکند و هر دو از نگاه به کانال‌های حرام در ماهواره‌ها و



فیلم‌هایی که روابط نامشروع و مشکوک دارند، خودداری کنند. تمام این موارد به انحراف، گمراهی و دوری از ولایت اهل‌بیت و اطاعت خداوند منجر می‌شود.

۲. چشم پیام‌آور دل و بیانگر آن است. اگر بدون مراقبت رها شود، این به معنی حرکت قلب و احساسات است که می‌تواند باعث انحراف هر دو طرف (مرد و زن) و رابطه حرام شود و آن‌ها را در دام شیطان بیندازد و در نتیجه فساد و انحراف و دوری از ولایت اهل‌بیت و غفلت از یاد خدا به دنبال داشته باشد. علی عَلَيْهِ السَّلَام در غرر الحکم فرمود: «چشم‌ها پیشگام قلب‌ها هستند»، «چشم پیک قلب است»، «نگاه، رهبر فتنه‌هاست»، «چشم رهبر فتنه‌هاست»، «چشم جاسوس قلب و پیک عقل است»، «قلب کتاب چشم است». پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (ایاکم وفضول النظر فانه يبذر الهوى ويولد الغفله)^(۱) «از نگاه‌های بیهوده بپرهیزید، زیرا آن‌ها بذر هوا و هوس را می‌کارند و غفلت را به وجود می‌آورند.» علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «چشم‌ها دام‌های شیطان هستند.»^(۲) و فرمود: «در بدن چیزی کم‌تر از چشم شکرگزار نیست، خواسته‌اش را به آن ندهید تا شما را از یاد خدا مشغول نکند»^(۳) و فرمود: «تابینایی بهتر از بسیار دیدن است.» از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود: «ای پسر جندب، عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَام به یارانش گفت: از نگاه بپرهیزید، زیرا آن در قلب بذر

۱. بحار الانوار/۷۲/۱۹۹

۲. غرر الحکم/۹۵۰

۳. خصال/۱۰۶۲۹



شهوت می‌کارد و برای صاحبش فتنه‌ای بزرگ می‌سازد. خوشا به حال کسی که نگاهش را در دلش قرار دهد و نه در چشمش.» یعنی نگاه خود را مراقبت کند تا به حرام نیفتد^(۱). و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: (ایاکم والنظر الی المحذورات فأنها بذر الشهوات ونبات الفسق)^(۲) «از نگاه به امور ممنوعه بپرهیزید، زیرا آن‌ها بذر شهوات و رویش فسق هستند.»

۳. نگاه با شهوت و هوس، انسان را به سوء عاقبت می‌کشاند، زیرا نتایج خطرناکی مانند ایجاد روابط مشکوک و سقوط در رذیلت و دوری از ولایت واقعی که شرط آن عفت است، برای او به همراه خواهد داشت. در حدیثی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «خداوند به چیزی بهتر از عفت شکم و فرج عبادت نشده است.»^(۳)

۴. نگاه به محرمات باعث گرفتاری در حرام و شکست در زندگی در تمامی جنبه‌ها می‌شود و برای او حسرت و اندوه فراوان و زیان در دنیا و آخرت به همراه دارد، به‌ویژه در ولایت اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام. علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: (من اطلق طرفه کثر اسفه)^(۴) کسی که نگاهش را رها کند، پشیمانی‌اش زیاد می‌شود. و فرمود: «کسی که نگاهش را رها کند، هلاکت خود را جلب می‌کند.»^(۵) و امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: (کم من

۱. تحف العقول/ ۹۵

۲. بحار الانوار/ ۴/ ۱۰۴/ ۴۲

۳. کافی/ ۱/ ۷۹۲

۴. تحف العقول/ ۹۷

۵. غرر الحکم/ ۲۴/ ۹



نظره اورثت حسره طویله^(۱) چه بسیار نگاه‌هایی که حسرت طولانی به جا گذاشته‌اند.

۵. برعکس، کسی که نگاهش را فرو بندد، به نعمت ولایت صادق اهل بیت دست می‌یابد، علاوه بر آن، آرامش قلبی، راحتی و خوشبختی و خیر دنیا و آخرت را به دست می‌آورد. پیامبر خدا ﷺ فرمود: (غضا ابصار کم ترون العجائب)^(۲) چشم‌هایتان را فرو ببندید تا شگفتی‌ها ببینید. علی علیه السلام در غرر الحکم فرمود: «کسی که نگاهش را فرو بندد، قلبش را راحت می‌کند» و «کسی که نگاهش را فرو بندد، پشیمانی‌اش کم می‌شود و از تلف شدن در امان می‌ماند.» و فرمود: «خوب‌ترین عامل بازدارنده شهوات، فرو بستن چشم‌هاست.» و فرمود: «کسی که اعضایش عقیف باشد، اوصافش نیکو می‌شود.»

۶. اسلام انسان را تربیت می‌کند تا از یاد خداوند غافل نشود و او را به سوی عبادت صادقانه خداوند و تلاش برای رضای خداوند و ولایت اهل بیت هدایت می‌کند. علی علیه السلام فرمود: (کل قول لیس لله فیه ذکر فلعو وکل صمت لیس فیه ذکر فسهو وکل نظر لیس فیه اعتبار فلهو)^(۳) هر سخنی که در آن یاد خدا نباشد، لغو است و هر سکوتی که در آن یاد خدا نباشد، غفلت است و هر نگاهی که در آن عبرت نباشد، لهو است. همچنین درباره صفت منافق فرمود: «مؤمن

۱. کافی/۵۵۹/۵/۱۲

۲. بحار الانوار/۱۰۴/۴۱/۵۲

۳. تحف العقول/۲۱۲



هنگامی که نگاه کند، عبرت می‌گیرد و هنگامی که سکوت کند، تفکر می‌کند و هنگامی که سخن بگوید، یاد خدا می‌کند. اما منافق وقتی نگاه کند، لهو می‌کند و وقتی سکوت کند، غفلت می‌کند و وقتی سخن بگوید، لغو می‌گوید.»^(۱)

۷. نگاه می‌تواند عبادتی باشد که توفیق ولایت اهل بیت را به همراه داشته باشد، اما به شرط تفکر و عبرت در موارد خاص. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «نگاه به عالم عبادت است، نگاه به امام عادل عبادت است، نگاه به والدین با مهربانی و رحمت عبادت است و نگاه به برادری که او را به خاطر خدا دوست داری، عبادت است.»^(۲) همچنین فرمود: «نگاه به سه چیز عبادت است: نگاه به چهره والدین، نگاه به قرآن و نگاه به دریا.»^(۳)

۸. عفت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، عفت یوسف و عفت پیامبران آنان را به مقام نبوت و رسالت رساند. عفت آنان در هر چیزی حتی در نگاه به زنان بود. در روایت آمده که وقتی شعیب از دخترش پرسید: "دخترم، او قوی است، این را از برداشتن سنگ فهمیدی"، پدرش پرسید: "از کجا امانتش را دانستی؟" او گفت: "پدر، من جلوتر از او راه رفتم." او گفت: "از پشت سر من راه برو و اگر راه را گم کردم، مرا راهنمایی کن. زیرا ما قومی هستیم که به پشت زنان نگاه نمی‌کنیم."^(۴)

۱. تحف العقول/۲۱۲

۲. بحار الانوار/۷۴/۷۳/۵۹

۳. صحیفه امام رضا/۱۹/۹۰

۴. من لا یحضره الفقیه/۱۹/۴/۴۹۷۴



۹. خداوند به خاطر نگاه حرام، مانند نگاه مردان به زنان با هوس و شهوت یا نگاه زنان به مردان، یا نگاه به برنامه‌های ماهواره‌ای که صحنه‌های حرام دارند، مجازات می‌کند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کسی که چشم خود را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشمش را از آتش پر می‌کند مگر اینکه توبه کند و برگردد.»^(۱) و فرمود: «خشم خداوند بر زنی که شوهر دارد و چشمش را از مردی غیر از شوهر یا محرمش پر می‌کند، شدید است.»^(۲) صاحب نگاه خائن و حرام از توفیق و ولایت اهل بیت و محبت آنان محروم می‌شود، زیرا این گناهی است که مانع رضای خدا و اطاعت او می‌شود.

۱۰. غض بصر از امور حرام باعث توفیق در ولایت و ایمان صادقانه و خالص و موفقیت در عبادت می‌شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هیچ مسلمانی نیست که به زنی نگاه کند و سپس نگاهش را از او برگرداند، مگر اینکه خداوند برای او عبادتی قرار می‌دهد که شیرینی آن را در قلبش می‌یابد.»

۱۱. اگر کسی بپرسد خطر نگاه حرام بر عبادت و ولایت اهل بیت و ایمان چیست؟ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ می‌دهد: «نگاه، تیری زهرآلود از تیرهای شیطان است. هر که آن را از ترس خداوند ترک کند، خداوند ایمانی به او عطا می‌کند که شیرینی آن را در قلبش احساس می‌کند.»

۱. بحار الانوار/۷۶/۳۳۴

۲. نواب الاعمال/۱/۳۳۸



۱۲. کسی که نگاه خود را فرو ببندد، پاداشش بهشت و ازدواج با حورالعین است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «کسی که به زنی نگاه کند و سپس نگاهش را به آسمان بلند کند یا چشمش را فرو بندد، تا زمانی که نگاهش به او برنگردد، خداوند او را به حورالعین تزویج می‌کند.»^(۱)

۱۳. اگر کسی بپرسد چگونه می‌توان نگاه را کنترل کرد و آن را غیرممکن بداند، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ می‌دهد و به علی عَلَيْهِ السَّلَامُ توصیه می‌کند: (ایاک والنظره بعد النظره... فَإِنَّ الْأُولَى لَكَ وَالثَانِيَةُ عَلَيْكَ)^(۲) از نگاه بعد از نگاه بپرهیز، زیرا نگاه اول برای توست و نگاه دوم علیه توست. و فرمود: «نگاه اول خطاست و نگاه دوم عمدی است و نگاه سوم ویرانگر است.»^(۳)

۱۴. دلیل خطرناک بودن نگاه حرام این است که در قلب شهوت و فتنه می‌کارد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «نگاه بعد از نگاه در قلب شهوت می‌کارد و همین برای صاحبش فتنه‌ای بزرگ است.»^(۴) و فرمود: «نگاه اول برای توست و نگاه دوم علیه توست و نگاه سوم باعث هلاکت است.»^(۵)

۱. مکارم الاخلاق/۱/۵۰۵/۱۷۴۷

۲. کنز العمال/۳۷۲

۳. کنز العمال/۱۳۰۷۳

۴. کتاب من لا يحضره الفقيه/۴/۱۸/۴۹۷۰

۵. من لا يحضره الفقيه/ج ۳/ص ۴۷۴



۱۵. پیامبر ﷺ راه حلی برای کسی که نگاه حرام کرده و شهوتش تحریک شده، قرار داده است: «ای مردم، نگاه از شیطان است، پس هر که از آن چیزی در خود یافت، باید به سوی همسرش برود.»^(۱)

۱۶. و به دلیل اهمیت غض بصر در ایمان، عبادت و توفیق برای ولایت صادقانه، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام ما را به چیزی که در کنترل نگاه کمک می‌کند، راهنمایی می‌کند؛ و آن یاد مرگ، حسابرسی و هول‌های قیامت است. ایشان در وصف کسانی که به خداوند راغباند، بعد از ذکر دسته‌های اهل دنیا، می‌فرماید: (بقی رجال غض ابصارهم ذکر المرجع و اراق دموعهم خوف المحشر فهم بین شریک ناد و خائف مقموع و ساکت مکموم و داع مخلص و ثکلان موجع)^(۲) و مردانی باقی ماندند که یاد بازگشت [به سوی خدا] چشمان خود را فرو بستند و از ترس روز محشر اشک‌هایشان جاری شد. آنان یا آواره و سرگردان‌اند، یا ترسان و مقهور، یا ساکت و خاموش، یا دعاگو و مخلص، و یا داغ‌دیده و اندوهگین.

۱۷. کسی که نگاهش را کنترل کند، خداوند او را به علم نافع توفیق می‌دهد، افزون بر ایمان، عبادت و ولایت صادقانه. علی عَلَيْهِ السَّلَام در وصف متقین فرمود: «آن‌ها چشمانشان را از آنچه خدا بر آنان حرام کرده، فرو بستند و گوش‌هایشان را به علم نافع سپردند.»^(۳) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: «هیچ کس به چیزی مانند غض بصر پناه

۱. کافی/ج ۵/ص ۴۹۴

۲. نهج البلاغه/خطبه/۳۲

۳. نهج البلاغه/خطبه/۱۹۳



نبرده است، چرا که چشم از محارم خدا فرو بسته نمی‌شود مگر اینکه پیش از آن قلبش عظمت و جلال خدا را دیده باشد.»^(۱) به همین دلیل از علی علیه السلام نقل شده است: «چشمان خود را فرو بندید تا عجایب را ببینید.»^(۲)

عاقبت ترک ولایت اهل بیت و ترک عفت

(۱) اگر در مورد مجرمان و خون‌ریزهای تاریخ تحقیق کنید، یعنی کسانی که به اهل بیت ظلم کردند و مخالفان خدا و پیامبر بودند، خواهید دید که مادران آنها زنانی منحرف و فاقد عفت بوده‌اند. همه کسانی که به جریان اموی پیوستند، افرادی بودند که سابقه‌ای در زنا و فساد داشتند. این ویژگی‌ها در آنها دشمنی، کینه و نفرت نسبت به اهل طهارت و عفت، یعنی اهل بیت و پیروان آنها را به ارث می‌برد و در نتیجه، دشمنان اهل بیت به خیانت و گناه علیه هر کسی که راه عفت را پیش می‌گرفت، متصف هستند.

(۲) خلاصه این است که ترک حیا و عفت باعث انحطاط جامعه اسلامی شد و دوری از ولایت و محبت اهل بیت و پیروی از آنها، به همراه جنگ‌های بسیار، خون‌ریزی‌ها، ظلم و تجاوز را به بار آورد. ارزیابی ابعاد انحراف مادران و پدران و تأثیر آنها بر امت، دین و

۱. بحار الانوار/۵۲/۴۱/۱۰۴

۲. بحار الانوار/۱۰۴/۴۱/۵۲



تاریخ، به شما واگذار می‌شود، که این امر خسارت هم دنیا و هم آخرت را به بار می‌آورد.

۳) دلیل این انحطاط و دوری از رضایت خداوند، ترک عفت و پیمودن راه فحشا و انجام فجایع است. این مسیر باعث می‌شود که افراد به راحتی تحت فرمان شیطان قرار بگیرند و او آن‌ها را به انجام گناهان کبیره و سلطه بر نفس اماره سوق دهد، با غیاب عقل و پیروی از شهوات نفسانی که حد و مرزی ندارد.

۴) کار به جایی می‌رسد که برخی افراد دارای روحیه‌ای شیطانی در قالب انسانی می‌شوند و اهل بیت علیهم‌السلام را مانع فساد و انحراف خود می‌بینند. شیطان آن‌ها را فریب می‌دهد که این افراد سد راه فساد و بی‌بندوباری آن‌ها هستند و آن‌ها را به ظلم و قتل اهل بیت تشویق می‌کند.

۵) در داستان‌های انبیا، موارد مشابه این وضعیت در رفتار طواغیت و قاتلان انبیا مشاهده می‌شود. شما می‌بینید که این افراد در دامن فجور و زنا پرورش یافته‌اند. مثلاً کسی که ناقه صالح را کشت، در پی یکی از زنان فاسد بود و او شرط کرده بود که برای برآورده شدن خواسته‌اش، ناقه صالح را بکشد. همین‌طور قاتل یحیی بن زکریا نیز راه زنا را پیش گرفته بود. همچنین، عبد الرحمن بن ملجم، که امیرالمؤمنین او را «شقی‌ترین انسان‌ها» می‌نامید، نیز در پی زنی به نام قطام بود و او شرط کرده بود که برای رسیدن به او باید امام علی علیه‌السلام را به قتل برساند. وقتی به داستان شهادت امام حسین علیه‌السلام می‌رسیم و به سیره یزید لعنه‌الله نگاه می‌کنیم، او هیچ



گناهی را ترک نکرد و به زنا با محارم و بازی با میمون‌ها و همخوابی با آن‌ها نیز مشهور بود. معاویه، عمرو بن العاص، حجاج و دیگر خون‌ریزان تاریخ نیز دشمنان اهل بیت و شیعیان آن‌ها بودند و این اخلاق فاسد و شیطانی آن‌ها بود.

۶) حقیقتی که ظالمان و منحرفان از آن غافلند، این است که سعادت و نیکی در اطاعت از خدا و مخالفت با شیطان و نفس اماره است. بلا و شقاوت، اطراف اهل گناه و معصیت و کسانی که عفت را ترک کرده‌اند، را فرا می‌گیرد، همان‌طور که خداوند می‌فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)^(۱) و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند، برکاتی از آسمان و زمین به روی آن‌ها می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند و ما آن‌ها را به سبب اعمالشان گرفتار کردیم.

۷) کسانی که شهوات و لذات حرام را دنبال می‌کنند و از حدود شریعت با ارتکاب گناهان تجاوز می‌کنند، در نهایت در فقر و شقاوت زندگی می‌کنند؛ چرا که به اهدافی که برایشان تلاش کردند نمی‌رسند. لذت آن‌ها تنها لحظه‌ای است و سپس همه چیز تمام می‌شود، ولی پیامدهای معصیت باقی می‌ماند. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: (من حاول امرأ بمعصيته الله كان أفوت لما يرجو واسرع

۱. سوره اعراف/۹۶



لمجیء ما یحذر^(۱) هر کس کاری را با معصیت خدا انجام دهد، نتیجه آن از دست رفتنی است و زودتر به آنچه می‌ترسد گرفتار خواهد شد.

۸) عمر بن سعد، لعنت خدا بر او، که آرزویش رسیدن به فرمانداری ری بود و حاضر شد برای آن، امام حسین علیه السلام و خاندان و یارانش را به قتل برساند و زانشان را به اسارت بگیرد، اما تلاش او به جایی نرسید و با خشم خدا روبه‌رو شد. او در دنیا و آخرت به رسوایی و عذاب دچار شد و پس از قتل امام حسین علیه السلام، نتوانست زندگی آرامی داشته باشد، بلکه خداوند کسی را بر او مسلط کرد که او را به قتل رساند و به جهنم فرستاد.

مادران پاکدامن و عقیف پیامبران، صالحان، امامان

و شهیدان

۱) نقش مادر و پدر در شکل‌گیری عقلانی، روحی و روانی انسان بسیار بزرگ است. بنابراین، لازم است که پدران و مادران پیامبران و امامان به درجه بالایی از پاکدامنی، عفت و طهارت رسیده باشند.

۲) شاهد این مدعا، آنچه امام صادق علیه السلام در زیارت وارث در سلام به امام حسین علیه السلام ذکر کرده‌اند، است: (یا مولای اشهد انک کنت نوراً فی الاصلاب الشامخه والارحام المطهره لم تنجسک الجاهلیه

۱. کافی/ج ۲/۳۷۳



بأنجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها) ای مولای من، شهادت می‌دهم که تو نوری در صلب‌های شریف و رحم‌های پاک بودی، جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نساخت و از لباس‌های تاریکش تو را نپوشاند. همان‌طور که خداوند نیز فرموده است: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)^(۱) خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما اهل‌بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

۳) امامان همواره در احادیث و سخنان خود به پدران و مادرانشان به‌خاطر عفت، شرافت و پاکی از آلودگی‌ها و فساد افتخار کرده‌اند. به عنوان مثال، در روایتی از منهل بن عمرو آمده است که معاویه از امام حسین علیه السلام خواست تا بر منبر رفته و نسب خود را بیان کند. امام حسین علیه السلام بر منبر رفت، خدا را حمد و ثنا کرد و سپس فرمود: (أيتها الناس من عرفني فقد عرفني...إلى ان قال...إنا ابن قليلات العيوب , نقيات الجيوب)^(۲) ای مردم، هر کس مرا می‌شناسد که مرا می‌شناسد... تا اینکه فرمود... من پسر زنان بی‌عیب، و پاک‌دامن‌ها هستم.

۴) همچنین، امام زین‌العابدین علیه السلام در مجلس یزید ملعون در شام، پس از شهادت پدرش امام حسین علیه السلام، در خطبه‌ای طولانی فرمود: (أيتها الناس: إنا ابن عديمات العيوب إنا ابن نقيات الجيوب إنا ابن من كسا وجهها الحياء إنا ابن فاطمة الزهراء وسيدة النساء إنا ابن خديجة

۱. سوره احزاب/ ۳۳

۲. بحار الانوار /ج ۷۴/ از کتاب مناقب الامام الحسن ع



الکبری^(۱) ای مردم، من پسر کسانی هستم که از هر عیبی مبرا هستند. من پسر کسانی هستم دامنی پاک دارند. من پسر کسی هستم که حیا چهره‌اش را پوشانده است. من پسر فاطمه زهرا، بانوی زنان و پسر خدیجه کبری هستم.

۵) آن‌ها با این سخنان می‌خواستند بر صفات عفت و پاکدامنی تأکید کنند و مردم را به سوی این صفات تشویق کنند. زیرا عفت کرامتی بزرگ است که تنها افراد شریف از آن برخوردارند.

۶) اما یزید و پدرش و ستمگران، این شرافت و کرامت را به‌خاطر اعمالشان از دست داده‌اند. به همین دلیل آن‌ها دوستداران شیطان شدند و دست‌هایشان به خون عترت پاک آلوده شد.

۷) عفت و پاکدامنی پدران و مادران، به عفت و پاکدامنی فرزندان منجر می‌شود و باعث می‌شود که آن‌ها خداوند را دوست داشته، او را عبادت کنند و ولایت اولیای خدا را بپذیرند و دشمنان خدا را دشمن بدانند. از سوی دیگر، انحراف و نبود عفت در پدران و مادران به انحراف فرزندان و ارتکاب معاصی و گناهان کبیره می‌انجامد. به همین دلیل در حدیث آمده است: (طوبی لمن کانت أمه عفیفه)^(۲) خوشا به حال کسی که مادرش عفیفه باشد.

۸) حضرت زینب علیها السلام نیز بر اهمیت عفت اهل‌بیت تأکید کرد و مردم را به سوی آن دعوت نمود و از انحراف دشمنان و ظالمان

۱. بحار الانوار/ص ۱۱۲/ج ۴۵

۲. علل الشرائع/ج ۲/ص ۵۶۴



آن‌ها بر حذر داشت. ایشان در خطاب به یزید لعنت الله علیه فرمود: «آیا از عدالت است، ای پسر آزادشدگان، که زنان و کنیزان خود را در پرده قرار دهی و دختران رسول خدا را به عنوان اسیر به این سو و آن سو ببری و حجاب آن‌ها را برداشته و چهره‌های آن‌ها را آشکار سازی، در حالی که دشمنان آن‌ها را از شهری به شهر دیگر می‌برند و مردم از دور و نزدیک، و پست و شریف به آن‌ها نگاه می‌کنند، در حالی که کسی از حامیانشان همراهشان نیست و مردی از مردانشان که از آن‌ها محافظت کند، نیست.»^(۱)

۹) حضرت زینب عَلَيْهَا السَّلَامُ، به خاطر اهمیت عفت برای ایشان و در پیروی از دستورات خداوند متعال، مسأله اسارت ایشان از شهری به شهر دیگر، آشکار شدن چهره‌ها و برداشته شدن حجاب‌ها و نبود مردان محافظ از اقوامشان، که می‌شد به حفاظت و مراقبت آن‌ها اعتماد کرد، همه این‌ها بر مصیبت‌های آن‌ها افزود.

۱۰) خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم بر عفت تأکید کرده است. از جمله عفت حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ را با دقت بسیار توصیف کرده است تا به حیای ایشان و عفتشان اشاره کرده تا به ایشان اقتدا شود. خداوند متعال می‌فرماید: (وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا وَكَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ)^(۲) و مریم دخت عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان

۱. لهوف/ص ۷۰/خوارزمی/مقتل الحسین/۶۴/۲

۲. سوره تحریم/۱۲



پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود. عفت او باعث موفقیت او و تصدیق کلمات خدا و عمل به اطاعت خدا شد. علاوه بر این، خداوند او را محل طاهری قرار داد و از روح خود در او دمید. ولایت او بر اولیای خدا، نصرت او به پیامبر خدا (عیسی عَلَيْهِ السَّلَام) و حفاظت از او همه از نتایج ورع و عفت او بود. خداوند در جایی دیگر نیز عفت و حجاب او را ستوده و فرموده است: (فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا)^(۱) و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. خداوند متعال در روز قیامت به عفت او در برابر زنان دیگر مباحثات می‌کند، زیرا این صفت باعث رسیدن به رضای خداوند متعال است. چنان که از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «در روز قیامت زنی زیبا می‌آورند که به خاطر زیبایی خود دچار فتنه شده است و می‌گوید: ای پروردگار، تو آفرینش مرا نیکو ساختی تا آنچه را که بر من گذشت، ببینم. پس مریم آورده می‌شود و گفته می‌شود: آیا تو زیباتر هستی یا این زن؟ و ما او را نیکو آفریدیم و او دچار فتنه نشد.»^(۲)

۱۱) و خداوند مادران پیامبران و امامان را با دقت بالایی انتخاب کرده است و سرور آنان حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام مادر امامان معصوم، دختر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دختر خدیجه دختر خویلد، زن عفیف و پاک بود... حضرت زهرا زمانی که از خانه بیرون می‌رفت، در میان گروهی از زنان قوم خود حرکت می‌کرد تا کسی او را نشناسد

۱. سوره مریم/ ۱۷

۲. مجموعه ورام/ص ۱۵۲



یا اگر ضرورت داشت برای اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر یا ایراد خطبه‌های بلیغ که سرشار از علوم دنیوی و اخروی بودند، شبانه از خانه خارج می‌شد.

۱۲) مادران امامان نیز همگی عفیف و شریف بودند، تا برسد به حضرت نرجس، مادر امام مهدی علیه السلام، که کنیز بود. و به دلیل شدت عفت او، هرگاه کسی به او نزدیک می‌شد، با فریاد او را از خود دور می‌کرد و می‌گفت: وای بر من که حجابم شکسته شد.

۱۳) خدیجه کبری، همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، نیز در زمان خود به شدت به عفت شناخته می‌شد و لقب «طاهره» را داشت، در زمانی که زنا و فساد بسیار رایج بود. خداوند متعال جایگاه او را رفیع ساخت و در مالش برکت نهاد و او را به همسری رسول خدا صلی الله علیه و آله، که فردی کریم بود، مفتخر ساخت. خداوند او را موفق به یاری و نصرت رسول خدا صلی الله علیه و آله با جان، مال و تمام امکاناتش کرد. فرزندان معصومش نیز به او افتخار می‌کردند، چنان‌که امام زین‌العابدین علیه السلام در مجلس یزید فرمود: «من پسر زنان پاکدامن و بی‌عیبم، من پسر خدیجه کبری و فاطمه زهرا هستم.»^(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز خدیجه را ستایش می‌کرد، حتی زمانی که عایشه به او اعتراض کرد که چرا اینقدر از او یاد می‌کند در حالیکه خداوند بهتر از او را به تو داده است. پیامبر در پاسخ او فرمود: «خداوند کسی بهتر از او به من نداد،

۱. مناقب ابن شهر اشوب / ج ۴ / ص ۱۲



زیرا زمانی که مردم مرا تکذیب کردند، او به من ایمان آورد و زمانی که مردم مرا رها کردند، او مرا یاری کرد و خداوند از او فرزند به من عطا کرد.»^(۱)

۱۴) خداوند به خاطر عفت و نصرت دین، به خدیجه و پیامبر صلی الله علیه و آله برکت داد و آن‌ها را با تولد فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان عالمین، مفتخر ساخت. او که در شکم مادرش با او انس می‌گرفت تا دوری زنان قومش که به دلیل ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله که فقیر و یتیم بنی‌هاشم بود از او دوری می‌جستند، تسلی پیدا کند و آن را جبران کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او می‌فرمود: «این جبرئیل است که به من بشارت می‌دهد که او دختری است و او نسل پاک و مبارکی خواهد بود و خداوند نسل من را از او قرار خواهد داد و امامان را از نسل او قرار خواهد داد که پس از پایان وحی، خلفای خدا بر زمین خواهند بود.»^(۲)

۱۵) خداوند متعال به دلیل پیروی خدیجه از رضایت خداوند، عفت، صبر و یاری او به پیامبر صلی الله علیه و آله، او را یاری کرد و ولادت فاطمه علیها السلام را برای او آسان کرد، در حالی که زنان مکه با او قطع رابطه کرده بودند و خدیجه از این موضوع غمگین بود. چهار زن بلند قامت وارد شدند، گویا از زنان بنی‌هاشم بودند و خدیجه از آنان ترسید. یکی از آنان به او گفت: «ای خدیجه، نترس، ما رسولان پروردگار تو هستیم. ما ساره، آسیه دختر مزاحم، مریم دختر عمران و صفراء دختر

۱. المعجم الکبیر طائی/ج ۲۳/ص ۱۳

۲. مناقب ابن شهر اشوب /ج ۳/ص ۳۴۰



شعيب هستيم. خداوند ما را به سوى تو فرستاده تا از كارهايى كه زنان براى زنان انجام مى دهند، به تو كمك كنيم.» خداوند متعال در قرآن مى فرمايد: (إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا)^(۱) به يقين كسانى كه گفتند: پروردگار ما خداوند يگانه است، سپس استقامت كردند، فرشتگان بر آنان نازل مى شوند كه: نترسيد و غمگين م باشيد. هنگامى كه فاطمه به دنيا آمد، بر زمين سجده كرد و تسبيح خدا گفت. از او نورى تابيد كه وارد خانه هاى مكه شد و هيچ نقطه اى از شرق و غرب زمين نماند كه آن نور در آن نتابيد. او شهادت داد: «هيچ خدائى جز الله نيست و پدرم رسول خدا ﷺ سرور پيامبران است و همسرم على سرور اوصيا و فرزندانم سرور اسباط هستند.»^(۲)

۱۶) حضرت زهرا عليها السلام زندگى خود را سراسر در عبادت و نصرت رسالت، چه در کنار پدرش و چه پس از او در کنار همسرش اميرالمؤمنين، سپرى كرد و در زندگى زناشويى خود به او وفادار بود. او تا آخرين لحظات زندگى خود بر وفادارى و اخلاص ماند. از او هنگام وداع با همسر و امام زمانش، اميرالمؤمنين، سخنانى صادر شد كه عفت و پاكدامنى و وفادارى او را تا آخرين لحظه زندگى اش ثابت مى كند، جايى كه مى فرمايد: «آيا از روزى كه با من زندگى كرده اى، مرا دروغگو يا خائن يافته اى؟» اميرالمؤمنين پاسخ داد: «تو از آن كه

۱. سوره فصلت/ ۳۰

۲. بحار الانوار/ ج ۶ ص ۲۱۲



من تو را سرزنش کنم، پاک تر و برتر هستی، ای دختر رسول
خدا ﷺ. بر من سخت است که از تو جدا شوم.»^(۱)

۱. بحار الانوار/ج ۴۳/ص ۱۹۱



عفت در پیامبران

۱. خداوند متعال بر عفت در انتخاب پیامبرانش تأکید دارد، به طوری که همه پیامبران او دارای عفت و غیرت هستند و به اخلاق نیکو، شناخته می‌شوند. به ویژه یوسف پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام که عفت، او را به پیامبری صالح رساند و خداوند او را بر کسی که به او آسیب رساند، یاری کرد و او را عزیز مصر و خزائن آن قرار داد و پس از مدت طولانی جدایی، خانواده‌اش را با هم جمع کرد. این‌ها همه از برکات عفت و طلب رضایت خداوند متعال است.

۲. همچنین، سرنوشت هر کسی که به راه عفت و حیا گام بگذارد، یاری و عزت از سوی خداوند خواهد بود، همان‌طور که برای یوسف پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام اتفاق افتاد.

۳. خداوند عفت یوسف را ستایش کرده و داستان او را از زیباترین داستان‌ها قرار داد، زیرا دربارهٔ بهترین صفت یعنی عفت صحبت می‌کند و سپس به عاقبت نیکوی آن اشاره می‌کند که خیر دنیا و آخرت است، حتی اگر در این مسیر به آزارهایی دچار شود.

۴. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز عفت یوسف را ستایش کرده و می‌فرماید: «و به مرد خوش‌سیرتی که در زیبایی خود دچار فتنه شده است، او می‌گوید: پروردگارا، من را در خلقت نیکو آفریدی، که با اقبال مردم دچار شدم و نتوانستم خودم را حفظ کنم. یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را می‌آورند و به او گفته می‌شود آیا تو بهتر هستی یا این که ما او را نیکو



آفریدیم و او دچار فتنه نشد؟»^(۱) این حدیث صادق هست که می‌گوید: «هر کس بخواهد عزتی بدون قوم و آبرویی بدون سلطنت داشته باشد، باید از ذلت معصیت خداوند به عزت اطاعت او روی آورد.»^(۲)

۵. موسی نبی عَلَيْهِ السَّلَام نیز به دلیل عفت و غیرت خود که دختر شعیب به آن اقرار کرد و او و خواهرش به پدرشان از آن خبر دادند. وقتی یکی از آن‌ها به او نزدیک شد و پس از آبیاری به او گفت: (إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا)^(۳) پدرم از تو دعوت می‌کند تا در عوض سقایت و سیراب کردن گوسفندان ما به تو پاداشی دهد. (قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ)^(۴) یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد.

۶. به خاطر عفت و غیرت و ایمانش به خداوند متعال، او را به مقام کلیمیت برگزید و با عصایی که هر آنچه را که جادوگران آوردند بلعید، او را تأیید کرد و کرامات و معجزاتی به او داد که بر بنی‌اسرائیل ظاهر شد و او و قومش را از غرق شدن نجات داد و فرعون و سپاهش را غرق کرد. این‌ها همه از نشانه‌های نصرت خداوند و برکات عفت است.

۱. کافی/ج ۲/ص ۲۲۸

۲. أمالی طوسی/ص ۵۲۴

۳. سوره قصص/۲۵

۴. سوره قصص/۲۶



رضا و تسلیم به خداوند یعنی عفت و ولایت اهل بیت

۱. یکی از مصادیق رضا و تسلیم به خداوند، ولایت اهل بیت (علی و امامان معصوم و بیزاری از دشمنان آنها) است. این به معنای پیروی و محبت و اطاعت از آنان است و این تفسیر آیه‌ای است که می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)^(۱) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید. یعنی تسلیم خلافت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز غدیر بودن، که خداوند به پیامبرش فرمان داد: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)^(۲) ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از گزند مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. و پس از آنکه پیام را رساند و امانت را ادا کرد، این آیه نازل شد: «امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما انتخاب کردم.»^(۳) خداوند متعال شرطی بر بندگانش برای قبول عبادت‌هایشان گذاشته است، و آن ولایت اهل بیت و محبت و پیروی از آنها است، و این را پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با بالا بردن دست پسر عمویش

۱. سوره احزاب/۵۶

۲. سوره مائده/۶۷

۳. سوره مائده/۳



علی علیه السلام بیان کرده و فرمود: «به شما توصیه می‌کنم که اگر به این دو (قرآن و اهل بیت) تمسک کنید، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد. این دو حبل (رشته) از آسمان به زمین کشیده شده‌اند: کتاب خدا و عترت من، اهل بیت. اگر به این دو تمسک کنید، هرگز پس از من گمراه نخواهید شد، زیرا این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا به من در حوض آب برسند.»^(۱)

۲. امام صادق علیه السلام در اهمیت ولایت اهل بیت و اطاعت از آن‌ها در قبول طاعات و عبادت‌ها فرمود: «اگر بنده‌ای خدا را صد سال در کنار کعبه عبادت کند و روزها روزه بگیرد و شب‌ها نماز بخواند تا جایی که ابروانش بر چشمانش بیفتد و از شدت عبادت به خود بیفتد، اگر از حق ما ناآگاه باشد، ثوابی نخواهد داشت.»^(۲) و همچنین فرمود: «هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.»^(۳)

۳. ولایت اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آن‌ها در آیه‌ای آمده است که می‌فرماید: «هر کس حسنه‌ای بیاورد، پاداش او بهتر از آن است و آنان در روز رستاخیز در امنیت خواهند بود. و هر کس بدی بیاورد، چهره‌هایشان به آتش کشیده می‌شود. آیا جز به آنچه انجام داده‌اید، جزا داده می‌شوید؟» علی علیه السلام در تفسیر آن گفت: حسنه (معرفت

۱. مسند ابن حنبل/ج ۳/ص ۱۴_۱۷

۲. اصول کافی/ص ۳۶۴

۳. مسند ابن حنبل/ج ۴/ص ۹۶



ولایت و محبت ما اهل بیت است) و سیئه (انکار ولایت و کینه ورزی ما اهل بیت)^(۱) است.

۴. رابطه‌ای نزدیک بین عبادت خداوند متعال و ولایت اهل بیت و عفت وجود دارد، زیرا در توصیف متقین به همراه التزام به عفت است، خداوند می‌فرماید: «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.»^(۲)

ولایت و محبت سَرِّی از اسرار محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. درباره علت نام‌گذاری فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به «الزهراء» از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است: فاطمه به نام (الزهراء) نام‌گذاری شد زیرا خداوند او را از نور عظمت خود آفرید. هنگامی که نور او تابید، آسمان‌ها و زمین‌ها را روشن کرد و چشمان ملائکه را پوشاند. ملائکه به سجده افتادند و گفتند: «پروردگار ما و آقای ما، این نور چیست؟» خداوند به آن‌ها وحی کرد: «این نور از نور من است و آن

۱. اصول کافی/۱۰۵

۲. سوره احزاب/۳۵



را در آسمان خود قرار دادم. او را از عظمت خود آفریدم و او را از صلب یکی از پیامبرانم بیرون می آورم که بر تمام پیامبران برتری دارد. از آن نور، امامانی بیرون می آورم که به فرمان من عمل می کنند و به حق من هدایت می کنند و آن ها را خلفای من در زمین قرار می دهم بعد از قطع شدن وحی من.»^(۱)

۲. روزی عباس بن عبدالمطلب بر پیامبر وارد شد و سلام کرد. پیامبر ﷺ سلام او را پاسخ داد و به او خوش آمد گفت. سپس عباس گفت: «یا رسول الله، با چه چیزی خداوند اهل بیت، علی بن ابی طالب را بر ما، برتری داده است در حالی که تمام ما از یک معدن هستیم؟» پیامبر ﷺ فرمود: «پس بگویم به تو، ای عم، خداوند مرا و علی را آفرید در حالی که نه آسمانی بود و نه زمینی، نه بهستی و نه جهنمی، نه لوحی و نه قلمی... هنگامی که خداوند متعال خواست خلق ما را آغاز کند، یک کلمه گفت و آن نور شد، سپس بار دیگر سخن گفت و آن روح شد، سپس این دو را با هم ترکیب کرد و از آن ها مرا و علی را خلق کرد. سپس از نور من، نور عرش را خلق کرد و من ارزشمندتر از عرش هستم. سپس از نور علی، نور آسمان ها را خلق کرد و علی ارزشمندتر از آسمان هاست. سپس از نور حسن، نور خورشید و از نور حسین، نور ماه را خلق کرد و آن ها ارزشمندتر از خورشید و ماه هستند. ملائکه خدا را تسبیح می کردند و می گفتند: «سبوح قدوس» خداوند منزّه و مقدس تر از انواری است که خدا به

۱. علل الشرائع/ص ۱۸۰



آن‌ها کرامت داده است. هنگامی که خداوند متعال خواست ملائکه را آزمایش کند، بر آن‌ها ابرهایی از ظلمت فرستاد و ملائکه نمی‌توانستند ابتدای آن را از انتهایش و انتهای آن را از ابتدای آن ببینند. ملائکه گفتند: «پروردگار ما و آقای ما، از زمان خلقت ما، چیزی نظیر آنچه در آن هستیم ندیده‌ایم. از تو می‌خواهیم به حق این انوار که آن‌ها را از سر ما برداری. خداوند فرمود: «به عزت و جلال خود، به زودی انجام می‌دهم...» آنگاه نور فاطمه زهراء (سلام‌الله‌علیها) را در آن روز مانند چراغی آفریده شد و در گوشه‌ی عرش آویزان شد و آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه به خاطر آن نور درخشان شدند، بنابراین به او «فاطمه» (زهراء) گفته می‌شود. و ملائکه خدا را تسبیح و تقدیس می‌کردند و خداوند فرمود: «به عزت و جلال خود، پاداش تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت برای محبین این زن و پدر و شوهر و فرزندان‌ش قرار می‌دهم.»^(۱)

۱. تفسیر منسوب به امام عسکری ع / ۳۰۷/۱۴۹



شیعه، اهل ولایت اهل بیت و اهل عفت

۱. رسول خدا ﷺ شیعه را معرفی می‌کند و می‌فرماید: (إن شیعتنا من شیعنا واتبع اثارنا وابتعدی بأعمالنا)^(۱) شیعه ما، از پیروان ما هستند که آثار ما را دنبال می‌کنند و به اعمال ما اقتدا می‌نمایند.
۲. علی علیه السلام صفات شیعه را بیان کرده و می‌گوید: «شیعیان ما در راه ولایت ما به یکدیگر بذل و بخشش می‌کنند و در راه محبت ما با یکدیگر دوستی می‌ورزند، برای زنده کردن امر (ولایت) ما با یکدیگر دیدار می‌کنند، همانان که اگر خشمگین شوند، ستم نمی‌کنند و هرگاه خشنود شوند، زیاده روی نمی‌کنند، برای همسایگان خود برکتند و با معاشران خویش به صلح و صفا رفتار می‌کنند.»^(۲)
۳. شیعه‌های مخلص به اهل بیت و پیرو آنان در صفات نیکوی خود و اخلاص به خداوند در عفت و تقوا در دنیا، در آخرت به آنان ملحق خواهند شد و در مقام صدق نزد پادشاه مقتدر قرار خواهند گرفت. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شکایت کردم به رسول خدا ﷺ از حسد مردم به من. ایشان فرمودند: «ای علی، اولین چهار نفر که وارد بهشت می‌شوند من، تو، حسن و حسین هستیم و فرزندان ما در پشت سر ما و دوست‌داران ما پشت سر فرزندان ما و شیعیان ما در راست و چپ ما خواهند بود.»^(۳)

۱. بحار الانوار ج ۴۳/ص ۶۷

۲. کافی ج ۲/ص ۲۳۷

۳. ارشاد ج ۱/ص ۴۳



۴. تأکید بر آنچه گفته شد، امام باقر علیه السلام می فرماید: «از ام سلمه، همسر پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی بن ابی طالب علیه السلام پرسیدم و او گفت: شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: (إن علیاً وشیعته هم الفائزون)^(۱) علی و شیعیانش رستگاران هستند.

۵. برای همین است که امام صادق علیه السلام بر لزوم استقامت در سلوک و اخلاق و دین و عفت تأکید می کند تا به برکات عظیمی در دنیا و آخرت نائل شوند و می فرماید: (لو ان شیعتنا استقاموا لصافحتهم الملائکة ولأظلمهم الغمام ولأشرقوا نهاراً و لأکلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم ولما سألوا الله شیئاً الا اعطاهم)^(۲) اگر شیعه ما استقامت بکنند، فرشتگان با آنها دست می دادند و ابرها بر آنها سایه می افکندند و روزها درخشان می شدند و از بالا و پایین به آنها می دادند و هیچ چیزی از خدا نمی خواستند مگر اینکه به آنها عطا می شد.

۶. صفت دیگری برای شیعه است و آن، برپایی مجالس حزن در وفات معصومین، نصرت اهداف و اصول آنان و دفاع از آنها و لعنت بر دشمنان و برائت از آنهاست... همچنین برگزاری مجالس شادی و موعظه با ذکر سیره اهل بیت و اقتدا به آنها، که خداوند آنها را برای این هدف برگزیده است. علی علیه السلام می فرماید: «خداوند متعال به زمین نگاه کرد و ما را انتخاب کرد و برای ما شیعه ای انتخاب کرد که به ما یاری رسانند و برای شادی ما شاد باشند و در غم ما

۱. ارشاد/ج ۱/ص ۴۱

۲. تحف العقول/۳۰۲



غمگین گردند و جان و مال خود را در راه ما فدا کنند. پس آن‌ها از ما و به ما تعلق دارند و در بهشت با ما خواهند بود.»^(۱)

۷. شیعه، صفتی بلند است که تنها کسانی به آن می‌رسند که خداوند قلب آن‌ها را با ایمان آزمایش کرده است و هر کس که این صفت را به دروغ ادعا کند، نزد خداوند معصیت کار است. امام حسن علیه السلام به مردی که گفت: «من از شیعه شما هستم» پاسخ داد: «ای بنده خدا، اگر در اوامر و نواهی ما مطیع باشی، راست گفتی، و اگر غیر از این باشد، بر گناهان خود اضافه نکن و ادعای مرتبه‌ی شریفی را نکن که شایسته آن نیستی... نگو من از شیعه شما هستم، بلکه بگو من از دوستان و محبان شما هستم و با دشمنان شما در خصومت هستم و در این صورت در خیر و نیکی هستی.»^(۲)

۸. شیعه علی علیه السلام کسانی هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند حتی اگر این به بهای جان و مال آن‌ها تمام شود... آن‌ها در اطاعت از خدا و خالص کردن عبادت خود گام برمی‌دارند و به اهل بیت علیهم السلام اقتدا می‌کنند... و این از عالی‌ترین درجات تقوا و عفت است. امام عسکری علیه السلام می‌فرماید: «شیعه علی علیه السلام کسانی هستند که در راه خدا، نه از مرگ می‌ترسند و نه از آنکه بر مرگ بیفتند... شیعه علی کسانی هستند که برادران خود را بر خود ترجیح می‌دهند، حتی اگر نیازمند باشند و آن‌ها را خدا در جایی که آن‌ها را نهی کرده نمی‌بیند و در جایی که به آن‌ها فرمان داده، غایب

۱. خصال/ص ۶۳۵

۲. تنبیه الخواطر/ج ۲/ص ۱۰۶



نمی‌بیند. و شیعه علی علیه السلام کسانی هستند که در اکرام برادران مؤمن خود به علی علیه السلام اقتدا می‌کنند... و این‌ها صفات اهل تقوا و عفت است.»^(۱)

۹. شیعه علی از ربا و تظاهر دور هستند... و به واسطه شناختی که از خداوند و ولایت صادقانه اهل بیت دارند، به اخلاص در برابر خداوند متعالی می‌پردازند... آن‌ها هر جا که باشند برکت و خیر هستند... در رحمت و طیب و اخلاق هستند... و مانند چراغ‌ها هستند... که نور علم و ایمان و تقوا و عبادت از آن‌ها ساطع می‌شود... و خداوند با آن‌ها تاریکی‌های دنیا را روشن می‌کند... علی علیه السلام درباره آن‌ها می‌فرماید: «شیعه من به خدا قسم... خردمندان و عالم به خدا و دین او هستند، که در اطاعت و فرمان او عمل می‌کنند و با محبت او هدایت می‌شوند... زاهدانی که چهره‌هایشان زرد است از تهجد... چشمانشان از گریه ضعیف است... لب‌هایشان از ذکر پژمرده است... شکم‌هایشان از گرسنگی خالی است... ربانیت در چهره‌هایشان شناخته می‌شود و زهد در چهره‌هایشان... آن‌ها چراغ‌های هر تاریکی هستند... اگر حضور داشته باشند، شناخته نمی‌شوند و اگر غایب باشند، گم نمی‌شوند... این‌ها شیعه‌های پاک و برادران محترم من هستند... من به آنها مشتاق هستم»^(۲)

۱۰. شیعه، مخلصان خداوند متعال هستند که به دلیل عشق و شوق به او، از روی اراده و بدون اجبار به اطاعت او می‌پردازند. آن‌ها به

۱. بحار الانوار/۶۸/۱۱/۱۶۲

۲. امالی طوسی/۷۵۶/۱۸۹



اوامر الهی عمل می‌کنند و از اخلاق و فضائل بالا و قناعت برخوردارند. علی علیه السلام درباره آن‌ها می‌فرماید: «شیعیان ما عارف بخدا و عامل به امر اویند. ممتاز بفضائل و گویا براستی هستند خوراک آنها بقدر کفایت است، لباسشان اقتصادی است و راه رفتنشان با تواضع است. جان خویش را در معرض تلف قرار داده‌اند در راه اطاعت خدا و خاضعند در راه عبادتش در زندگی چشم فرو بسته‌اند از محرمات کمال توجه دارند بعلم دینی، در هنگام فراخی و نعمت آن چنان هستند که در هنگام تنگدستی و نعمت، راضی بقضای پروردگارند، اگر نباشد اجلهائی که خدا برای آنان مقدر نموده یک چشم بهم زدن روح در کالبدشان نمی‌ماند بجهت اشتیاق بدیدار خدا و ثواب و ترس از عذاب دردناک. خدا در نظر آنها بزرگ است و غیر از او کوچک. گوئی بهشت را بچشم دیده‌اند که بر تخته‌های آن تکیه زده‌اند و جهنم را نیز مشاهده نموده‌اند که در آن معذبند. چند روز مختصر صبر کرده‌اند پشت سر آن در یک آسایش ابدی هستند، دنیا در پی آنها است ولی آنها دنیا را نمی‌خواهند چنان دنیا بجستجوی ایشان است که عاجزش کرده‌اند. در شب هنگام بپای می‌ایستند و با راه و رسم صحیح به تلاوت قرآن اشتغال دارند و از پند و اندرزهای آن بهره می‌برند و از داروهای شفابخش آن دوا میگیرند گاهی چهره بر زمین می‌سایند و زانوان و پیکر خود را بر زمین می‌گذارند اشک از دو دیده می‌بارند. ستایش پروردگار بزرگ را می‌کنند و تقاضای آزادی خویش را از جهنم می‌نمایند این شب آنها است. اما روز بردباران و دانشمندان و ابرار و اتقیاءاند



اندامشان را ترس از خدا لاغر کرده که همچون تیری در کمان شده‌اند، هر کس آنها را ببیند خیال می‌کند مریض هستند و دیوانه شده‌اند با اینکه چنین نیست، بلکه قدرت پروردگار و عظمت او دل‌هایشان را مضطرب و پیکرشان را ضعیف و هوش از سرشان برده، همین که به حالت وجد درمی‌آیند با جدیت تمام رو باعمال شایسته می‌آورند، راضی باعمال کم نیستند، اعمال کثیر خود را زیاد نمی‌شمارند.»

۱۱. امام باقر علیه السلام نیز بر این معانی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «شیعه ما نیستند، جز کسانی که از خدا پرهیز کرده و اطاعت کنند و آن‌ها را جز با تواضع، خشوع، وفای به امانت و یاد خدا نمی‌شناسند.»^(۱)

۱۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ای جماعت شیعه، زینت ما باشید و بر ما زشتی نباشید. با مردم به خوبی سخن بگویید و زبان‌های خود را از سخنان زشت و اضافی نگه دارید.»^(۲) همچنین امام هادی علیه السلام به شیعیان می‌فرماید: «تقوا را پیشه کنید و زینت ما باشید و بر ما زشتی نباشید. محبت و دوستی را به سوی ما بیاورید و زشتی‌ها را از ما دور کنید.»^(۳)

۱۳. امام صادق علیه السلام به صفات مهمی از شیعیان اهل بیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «شیعه ما اهل ورع، اجتهاد، وفا، امانت، زهد و

۱. تحف العقول/ ۹۵

۲. امالی صدوق/ ۱۷/۳۲۷

۳. تحف العقول/ ۴۸۸



عبادت هستند. آن‌ها در شبانه‌روز پنجاه و یک رکعت نماز می‌خوانند و شب‌ها بیدارند و روزها روزه می‌گیرند و اموال خود را زکات می‌دهند و خانه خدا را حج می‌کنند و از هر حرامی دوری می‌کنند.»^(۱)

۱۴. امام صادق علیه السلام به عفت نیز اشاره می‌کند و می‌فرماید: «شیعه علی علیه السلام کسی است که بطن و فرج خود را عفیف نگه دارد و در جهاد سخت کوش باشد و برای خالقش عمل کند و ثواب او را امیدوار باشد و از عذاب او بترسد. وقتی آن‌ها را دیدی، بدان که آن‌ها شیعه جعفر هستند.»^(۲)

۱۵. امام صادق علیه السلام بر اهمیت حفظ اوقات نماز و نگه‌داری اسرار اهل بیت در برابر دشمنان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «شیعه ما را در سه چیز امتحان کنید: در چگونگی محافظت بر اوقات نماز، در چگونگی حفظ اسرار اهل بیت از دشمنان و در انفاق اموال به مؤمنان.»^(۳)

۱۶. نزد امام صادق علیه السلام شیعه، کسانی هستند که محاسن اخلاق و علوم ما را منعکس می‌کنند و به همین دلیل مردم ما را دوست دارند و نسبت به ما بدی نمی‌کنند. می‌فرماید: «شیعه اهل بیت، بهترین‌های هر جمع هستند. اگر فقیه باشد، از آن‌هاست. اگر مؤذن باشد، از آن‌هاست. اگر امام باشد، از آن‌هاست و اگر صاحب امانت

۱. بحار الانوار/۶۸/۶۷/۲۳

۲. کافی/۲/۲۳۳/۹

۳. بحار الانوار/۸۳/۲۲/۴۰



باشد، از آن هاست. بنابراین، سعی کنید که ما را نزد مردم محبوب کنید و باعث تنفر آن‌ها نسبت به ما نشوید.»^(۱)

۱۷. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «شیعه علی علیه السلام کسی است که گفتارش با عملش هماهنگ باشد.»^(۲)

۱۸. از ابو اسماعیل نقل شده که به امام باقر علیه السلام گفتم: «شیعه‌های شما پیش ما زیاد هستند» ایشان پاسخ دادند: «آیا ثروتمند به فقیر کمک می‌کند؟ آیا نیکوکار از بدکار می‌گذرد و به یکدیگر محبت می‌ورزند؟» وقتی پاسخ منفی دادم، فرمودند: «این‌ها شیعه نیستند. شیعه علی کسی است که این کارها را انجام می‌دهد.»^(۳)

۱۹. بعضی‌ها ادعای ولایت برای اهل بیت دارند، اما به خاطر طمع به مال و نه رغبت به طاعت خدا و عمل به رضای او. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردم درباره ما به سه دسته تقسیم شده‌اند: دسته‌ای ما را دوست دارند تا در انتظار قائم ما به دنیای ما برسند، این‌ها سخنان ما را حفظ می‌کنند اما در اعمال ما کوتاهی می‌کنند و خدا آن‌ها را به آتش می‌فرستد. دسته‌ای ما را دوست دارند و سخنان ما را می‌شنوند اما در اعمال ما کوتاهی می‌کنند تا به واسطه ما مال بدست آورند (و از اخلاص در برابر خدا دورند) و خداوند شکم‌های آن‌ها را با آتش پر می‌کند و گرسنگی و تشنگی بر آن‌ها مسلط می‌شود. دسته سوم، ما را دوست دارند و سخنان ما را حفظ

۱. صفات الشیعة/۵۲/۳۹

۲. کافی/۲۸۸/۸/۲۹۰

۳. کافی/۱۱۷۳/۲/۱۱



می‌کنند و از اعمال ما پیروی می‌کنند و آن‌ها از ما و ما از آن‌ها هستیم.»^(۱)

۲۰. شیعه‌های اهل بیت که صادقانه به آن‌ها اعتقاد دارند، کسانی هستند که به خاطر آن‌ها رحمت و رزق و باران بر بندگان نازل می‌شود و امام صادق علیه السلام در وصف آن‌ها می‌فرماید: «کسانی که در نهان و آشکارا ما را دوست دارند، از طبقه عالی هستند. آن‌ها از آب شیرین فرات می‌نوشند و تأویل کتاب و فصل خطابات را می‌دانند و آن‌ها طبقه عالی هستند... فقر و فاقه و انواع بلا به سوی آن‌ها سریعتر از دویدن اسب می‌آید... آن‌ها در سختی و مشقت قرار می‌گیرند و آزموده می‌شوند... بین آن‌ها مجروحان و مقتولان در هر سرزمینی پراکنده‌اند... به وسیله آن‌ها خدا بیماران را شفا می‌دهد و نیازمندان را غنی می‌کند و به وسیله آن‌ها یاری می‌شوید و باران بر شما نازل می‌شود و رزق شما تأمین می‌شود. آن‌ها کم‌شمار و در نزد خداوند بزرگ و با اهمیت هستند.»^(۲)

۲۱. خداوند متعال، شیعه علی و اهل بیت شریف او را اهل تقوا و عفت به نعمت‌ها و مقامات عالی کرامت بخشیده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی این حبیب من جبرائیل است که از جانب خداوند جل جلاله به من خبر می‌دهد که او به محب تو و شیعهات هفت ویژگی عطا کرده است: (۱) رفق در هنگام مرگ؛ (۲) انس در تنهایی؛ (۳) نور در تاریکی؛ (۴) امنیت در وحشت؛

۱. تحف العقول/۵۱۴

۲. باب ۶۸۹/معرفه الله/باب ۵۶۵م



۵) انصاف در ترازوی اعمال؛ ۶) عبور از صراط؛ ۷) ورود به بهشت قبل از دیگر امتهای به مدت هشتاد سال.^(۱)

۲۲. رسول الله ﷺ همچنین به علی علیه السلام فرمود: «در روز قیامت منبرهایی در اطراف عرش برای شیعیان خالص اهل بیت من در ولایت قرار داده می‌شود و خداوند عز و جل می‌فرماید: «بیاید ای بندگان من تا کرامت خود را بر شما بگسترانم، چرا که در دنیا مورد آزار قرار گرفتید.»^(۲)

۲۳. ابن عباس از رسول خدا ﷺ درباره آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^(۳) سؤال کرد و پیامبر فرمود: «جبرائیل به من گفت: آن علی و شیعه‌اش هستند... آن‌ها کسانی هستند که به بهشت می‌شتابند و به وسیله کرامت خدا به مقام قرب نائل می‌آیند.»^(۴) همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: «شیعه علی در روز قیامت رستگار هستند»^(۵) و به علی علیه السلام فرمود: «شیعه‌ات در روز قیامت سیراب وارد می‌شوند، در حالی که دشمنان تو تشنه و بی‌نصیب خواهند بود آب طلب می‌کنند اما به آنها داده نمی‌شود.»^(۶)

۱. بحار الانوار/۴/۹/۶۸

۲. عیون اخبار الرضا/۲/۶۰/۲۳۲

۳. سوره واقعه/۱۱۰

۴. امالی طوسی/۱۰۴/۷۲۱

۵. عیون اخبار الرضا/۲/۵۲/۲۰۱

۶. عیون اخبار الرضا/۲/۶۰/۲۳۸



۲۴. مقام شیعه علی مقام رفیع و مهمی است که امام حسن عسکری علیه السلام به آن اشاره می‌کند. و فرمود: یک مرد به امام جواد علیه السلام می‌گوید: «من از شیعیان خالص شما هستم.» امام علیه السلام پاسخ می‌دهد: «وای بر تو! آیا می‌دانی شیعه‌های خالص ما چه کسانی هستند؟» مرد پاسخ می‌دهد: «نه.» امام علیه السلام فرمود: «شیعه‌های خالص ما، حزقیل مؤمن آل فرعون و صاحب یس هستند که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى». و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار، آیا خود را با این‌ها هم‌تراز می‌کنی؟ اگر چنین باشد، به ملائکه و ما آزار رسانده‌ای!» مرد از این سخن پشیمان می‌شود و می‌گوید: «استغفار می‌کنم و به سوی خدا توبه می‌کنم، چگونه بگویم؟» امام علیه السلام می‌فرماید: «بگو من از موالی شما و محبان شما هستم و با دشمنان شما دشمنی می‌کنم و با دوستان شما دوست هستم.»^(۱)

۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ۱۶۱/۳۱۶